

مخاطب، سرمایه اصلی رادیو قرآن است

گفت و گو با محمد حسین محمدزاده، مدیر رادیو قرآن

صفحه ۸



فناوری دیجیتال در خدمت رسانه ملی / ۵

رضا رویگری: بازیگری و خوانندگی ام مکمل هم هستند / ۷

استعدادهای جدید سینما از تلویزیون می آیند / ۱۱

قلم دروغ نمی گوید

رکسانا قهقرایی

ایده ناظر در داستان، به توان توصیف آن در یک یا چند جمله برمی گردد. البته این معنی را نمی دهد که ما بتوانیم یک فیلم سینمایی را به چند عبارت یا جمله کوتاه تقلیل دهیم. بلکه هدف رسیدن به کلیتی است که به انسجام فکری بیننده در پیگیری رویدادهای آن کمک می کند و او را به تحلیلی فردی می رساند.

این ایده ناظر باید مورد احترام نویسنده قرار گیرد؛ چرا که هر داستان منسجم و کاملی، بیانگر ایده‌ای است که در لاف یک طلسم عاطفی پیچیده شده است. نویسندگان معمولاً به افکار و ایده‌ها می پردازند، اما نه به شیوه صریح. بلکه آن تفکر خود را در پس عواطف هنری پنهان می کنند. ایده‌های حسی شده هم به هر حال نوعی ایده است و هر داستان تأثیرگذاری بیانگر اندیشه‌ای است که باری عاطفی دارد و آن را به ایده تحمیل می کند. طوری که آن را بناچار می پذیریم. در نتیجه قدرت اقتناعی داستان تا حدی است که چه بسا پیام آن را با این که به لحاظ اخلاقی نفرت انگیز می نماید، بپذیریم.

با توجه به مقدمه بالا و تأثیرگذاری شدید داستان، لازم است به مسئولیت اجتماعی هنرمند نگاهی بیندازیم؛ مسئولیتی که در شاخه‌های مختلف آن بویژه در حوزه قلم بارز است. حل معضلات اجتماعی یا روحیه بخشی به جامعه و بیان مکنونات قلبی از جمله این مسئولیت‌هاست که با یک هدف متعالی کشف حقیقت و بیان آن قابل تحقق است. ممکن است طرفداران مکتب هنر برای هنر معتقد باشند این کار کرد اساساً هنر را از ذات و بن‌مایه خود دور می کند و آن را به سوی کالایی شدن سوق می دهد؛ چرا که دیگر هنر آن محصول ناب و بی‌نظیری نیست که قابل دسترس می‌نماید و در نظر همگان امری والا است. اما باید گفت کالایی شدن هنر صرف تولید انبوه آن برای قرار گرفتن در دسترس عامه تعبیر نمی‌شود. بلکه اشاعه یک رسالت هنری در اجتماع مدنظر است. هنر بدون مخاطب فرض ناشدنی است و همچون محصول، اندیشه و تفکری است که در کلکسیون شخصی جاخوش کرده است و گرچه قابلیت درک دارد، اما بستر آن مهیا نشده است. هنر همچنین مولود زمان است و هر چه بر پایه این عنصر شکل گرفته و رشد کرده باشد می‌تواند در انجام رسالت خویش موفق‌تر ظاهر شود؛ چرا که ایجاد ضرورت می‌کند و همین مساله مخاطبان بسیاری را به سمت و سوی آن سوق می‌دهد.

در این میان عرصه نگارش در شقوق مختلف آن و کم‌توجهی به تفاوت‌های ماهویش و به دلیل سر و کار داشتن آن با ذهنیت آدمیان بسیار به جامعه نزدیک‌تر است.

بنابراین باید در مورد مشخص داستان‌نویسی، با بررسی نقطه اوج داستان را بررسی و ایده ناظر را از آن استخراج کرد و همواره این پرسش را از خود کرد که آیا این همان حقیقت است و خود من به عنوان نویسنده به معنای داستان خویش باور دارم؟

اگر پاسخ منفی است باید از ادامه دادن قصه دست کشید و اگر پاسخ مثبت است هر کاری برای تبدیل آن به فیلم انجام داد؛ چراکه هنرمند در لحظه آفرینش اثر صادق است و اثر هنری صادقانه نیز نوعی عمل و ادای دین به مسئولیت اجتماعی است.



سیاوش خیرابی / به دنبال بازی متفاوت



بازیگر نقش فرید در سریال «آوای باران» با رد انتقادهایی که از این سریال می‌شود، گفته است: در هر فیلمی که یک بچه گم می‌شود، می‌گویند فیلم هندی است من این را قبول ندارم. نه این که بگویم تعصب خاصی روی این سریال دارم نه، ولی این بی‌انصافی است که بگویند فیلم هندی است، چون واقعاً همه عوامل در این سریال سنگ تمام گذاشتند. او که پیش از این در سریال‌های «ترانه مادری»، «دلنوازان» و «۳، ۵، ۲» به کارگردانی سهیلی زاده حضور داشته، گفته است: احساس می‌کنم با سریال آوای باران، یک پله در بازیگری من تغییر ایجاد شد، چون بزرگ‌ترین چیزی که همیشه فکر می‌کنم این است که کاراکتری بازی کنم که متفاوت باشد. او درباره سریال آوای باران که درباره بچه‌های کار است، گفت: از وقتی فیلمنامه را خواندم و روی آن کار کردم، نگاهم به این بچه‌هایی که سر چهارراه می‌ایستند، عوض شده است. شاید دو نفر دیگر هم نگاهشان عوض شده باشد و همین دو نفر در یک جامعه بس است.

سروش صحت / «شمعدونی» پس از «پژمان»



سروش صحت که مدتی قبل سریال «پژمان» را روی آنتن شبکه سه سیما داشت، تازه‌ترین اثر تلویزیونی‌اش را کمتر از یک ماه دیگر مقابل دوربین می‌برد. این سریال که نام موقتش «شمعدونی» است، مراحل پیش‌تولید را پشت سر می‌گذارد و سروش صحت این روزها در حال انتخاب بازیگرانش است.

صحت درباره قصه این مجموعه تلویزیونی گفته است: این سریال یک طنز اجتماعی است و داستان دو خانواده را روایت می‌کند. این دو خانواده درگیر مسائلی

می‌شوند که بیشتر در قالب مشکلات شهری است و سعی کرده‌ام با آنها شوخی کنم. این سریال داستان متفاوت‌تری از پژمان، ساخته قبلی صحت دارد.

سروش صحت تا امروز کارگردانی سریال‌هایی مثل «چارخونه»، «بازی» و «ساختمان پزشکان» را به عهده داشته که هر کدام توانسته‌است مخاطبان زیادی را پای تلویزیون بنشانند. این بازیگر و کارگردان تلویزیونی در بیشتر کارهایش توانسته در بستر طنز بعضی هنجارهای اجتماعی را گوشزد کند.

فلور نظری / بحران فیلمنامه‌های عاشقانه



فلور نظری از این که مردم همچنان با او درباره سریال «خانه به دوش» حرف می‌زنند، اظهار خرسندی کرده و گفته است: من هنوز نان خانه به دوش را می‌خورم و از مردم به دلیل بازی در این سریال واکنش‌های مثبت و محبت‌آمیز دریافت می‌کنم و گاهی از مردم می‌شنوم که چرا تلویزیون با بعضی سریال‌ها می‌خواهد اشک ما را دریاورد. بازیگر مجموعه‌های تلویزیونی «مسافری از هند» و «تب سرد» با انتقاد از ضعف فیلمنامه‌ها گفت: هم‌اکنون بیشتر فیلمنامه‌ها موضوعشان فقط

به جوانان مربوط می‌شود. گویی آدم‌های جامعه ما فقط دختران و پسران جوان هستند و غیر از موضوعات عاشقانه دغدغه دیگری وجود ندارد. به کشورهای دیگر هم که نگاه کنید فیلمسازان برای همه اقلشار جامعه فیلم می‌سازند و به همه توجه می‌کنند. مردم ما مشکلات زیادی دارند که میان آنها مسائل عاشقانه شاید چندان اولویت نداشته باشد. مردم در فیلم و سریال‌ها به دنبال مشکلات خود هستند. مثلاً «پایتخت» که به زندگی توده مردم مربوط می‌شد یا سریال‌های رضا عطاران که با مشکلات اولیه مردم ارتباط بود خیلی بیشتر مورد استقبال قرار گرفت و مردم با شخصیت‌های آنها همذات‌پنداری کردند. فلور نظری این روزها مشغول بازی در سریال نوروزی «رفیق ویژه» است و قرار است در سریال «قهر و آشتی» و فیلم «آتش بس ۲» به کارگردانی تهمینه میلانی نیز حضور داشته باشد.

مریم سعادت / علاقه به نقش‌های پرانرژی



مریم سعادت که این روزها در سریال «باغ سرهنگ» نقش یک راننده کامیون را بازی می‌کند، گفته خودش از کارگردان خواسته نقش راننده کامیون را به او بدهد. او درباره بازی در نقش روح‌انگیز در سریال باغ سرهنگ به کارگردانی فلورا سام گفته است: من نقش‌های شاد و پرانرژی را دوست دارم حتی بسیاری فکر می‌کنند، من بازیگر طنز هستم. من از این که تماشاگر، بازی‌ها و سریال‌های شاد ببیند لذت می‌برم. فکر می‌کنم مردم آن‌قدر گرفتاری و مشکلات دارند که اگر سریال‌های تلخ ببینند مساله دیگری هم به مشکلاتشان اضافه می‌شود.

بنابراین نظرم را به فلورا سام گفتم چون اساساً دوست دارم نقش‌هایی را بازی کنم که با دنیای خودم و شرایط این روزگار متفاوت باشد. سعادت که سال گذشته در نمایش‌های «پدرخوانده ناپلی»، «کلمه، سکوت، کلمه» بازی داشت، گفته است بازی در تئاتر را بیشتر ترجیح می‌دهد، چون این روزها فیلمنامه‌های چندان خوبی برای بازی در تلویزیون به او پیشنهاد نمی‌شود. سریال‌های «کارآگاه شمسی و مادام»، «خوش رکاب» و «بدون شرح» از جمله کارهایی است که سعادت در آنها حضور داشته است؛ مجموعه‌هایی که به خاطر موضوع عمدتاً طنز خود میان مردم محبوب شدند.

احسان کرمی / بازگشت به رادیو با «روزهای نقره‌ای»



احسان کرمی که مدتی از رادیو دور بود، با ویژه برنامه سسی و دومین جشنواره فیلم فجر به صدا بازگشت. این مجری و گوینده رادیو و تلویزیون که به‌طور ناگهانی به رادیو جوان پیوسته، برنامه «روزهای نقره‌ای» را به مناسبت جشنواره فیلم فجر روی آنتن می‌برد. کرمی درباره جدا شدنش از رادیو جوان گفت: رادیو جوان از همان ساعات اولیه جدا شدن من از رادیو تهران، می‌خواست جذب کند، اما شرایط فراهم نشد تا این که شنبه (دوازدهم بهمن) طی جلسه‌ای، آقای احمدپور مبارک (مدیر رادیو جوان) لطف

کردند و شرایط را فراهم کردند تا من به این شبکه بپیوندم و من هم سعی می‌کنم از تجربه‌هایم در رادیو جوان استفاده کنم. روزهای نقره‌ای هر روز ساعت ۱۴ از رادیو جوان روی آنتن می‌رود و به حوادث و حواشی جشنواره فیلم فجر می‌پردازد. برنامه‌های چهاردیواری ممنون، مکت ۹۵، جام ارگ، صبح تهران، تهران در شب، موج مجهول، چراغ سبز، جمعه ایرانی، ۱۲۴۳۷، نقره، تصویر زندگی، برنامه طلوع در شبکه چهار شب‌نشینی و رادیو ۷ از جمله کارهایی است که کرمی در آنها حضور داشته است.

شکر خدا گودرزی / بازی در نقش امام خمینی (ره)



شکر خدا گودرزی که نقش امام خمینی (ره) را در سریال «معما شاه» بازی می‌کند، درباره این نقش گفته است: من نقش متفاوتی بازی می‌کنم که تا الان می‌شود گفت در عرصه بازیگری کمتر به آن پرداخته شده است. او که پس از جمشید هاشم‌پور، ولی‌الله مومنی، محمد آزادی و عبدالرضا اکبری، ایفاگر نقش امام خمینی (ره) است، با بیان این که بازی در این نقش آرزوی هر کسی است گفت: شاید قیاس درستی نباشد، ولی وقتی دنیل دی‌لوئیس در نقش لینکلن بازی می‌کند، شاید این برایش

یک توفیق است. نقش حضرت امام (ره) فراتر و گسترده‌تر است چون لینکلن فقط یک شخصیت سیاسی است، اما حضرت امام (ره) علاوه بر این که شخصیتی سیاسی است، رهبری مذهبی است و به نوعی تاریخ‌ساز است. گودرزی که به گفته خودش یک سال و اندی روی این نقش کار کرده است، گفت: نقش این اجازه را به من نمی‌دهد که به بازی در کار دیگری فکر کنم و من این‌گونه تربیت نشده‌ام که همزمان سر چند کار باشم. شکر خدا گودرزی، تاکنون در سریال‌های «شب دهم»، «حلقه سبز» و «همسایه‌ها» و در فیلم‌های «جایی برای زندگی» و «معبد جان» بازی کرده است. او بیشتر در حوزه تئاتر فعالیت می‌کند.

یک طنز زیر پوستی

نگاهی به سریال «عصر پاییزی» که از شبکه یک روی آنتن می‌رود



مریم رها

سریال «عصر پاییزی» که شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۲ و ۲۰ دقیقه از شبکه یک سیماروی آنتن می‌رود، به کارگردانی اصغر نعیمی و تهیه‌کنندگی جمال شیرمحمدی در ۳۵ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای ساخته شده است. داستان این سریال درباره مردی به نام عطا با بازی علی عمرانی است که ۳۰ سال پس از مرگ همسرش، در شصت سالگی، دوباره ازدواج می‌کند و همسر جدیدش، مهشید را که نسرین مقانلو ایفاگر نقش اوست، در منزل مادر زن سابقش با بازی مهتاج نجومی اسکان می‌دهد.

در پی این اتفاق، کوروش تهامی، قهرمان داستان، در نقش پسر عطا تمام ذهنیت و زندگی‌اش به هم می‌ریزد و در این وانفسا کارش را نیز بر اثر سوءتفاهمی عجیب از دست می‌دهد. اختلافات مهشید با مامان‌پری، مادر همسر مرحوم عطا، ماجراهای رفیع در محل کار، اسکان تدریجی خانواده مهشید در عمارت قدیمی مامان‌پری و بازگشت برادر او جمشید، که علیرضا خسته نقش آن را بازی می‌کند، این جمع ناهمگون را درگیر وقایعی می‌کند که پیش‌برنده داستان‌های غریب این عمارت است.

در این سریال سینا رازانی و رویا میرعلمی نقش دختر

و پسر مهشید را بازی می‌کنند و امیرحسین صدیق، سپیده خداوردی، علی سلیمانی، رضا آهادی، شهرزاد عبدالمجید، سعید پیردوست و مرحوم رامین نعمتی، از دیگر بازیگران آن هستند.

فیلمنامه سریال که توسط آزاده محسنی و سمانه نامدار به سرپرستی علی میرمیرانی نوشته شده است، نه یک متن کمیک، که درام خانوادگی طنز نیست که هدف اولیه آن نشان دادن مصائب مربوط به تجدیدفراش سرپرست خانواده‌هاست و اتفاقات مختلف در اپیزودهای پیوسته در این بستر نمایش داده می‌شود. عصر پاییزی نه از جنس سریال‌های طنز آپارتمانی است که گونه‌های مختلفی از آن تاکنون روی آنتن رفته است و نه از جنس سریال‌های کمیک‌های همچون سریال پاورچین. در واقع طنز نه در شکل ظاهری و نه در لایه اولیه، که در زیر لایه‌های آن شکل می‌گیرد و اگرچه از فانتزی در روایت شخصیت راوی یعنی رفیع، بهره برده است، این فانتزی محدود به اوست و تنها عواقب آن دامنگیر اهالی این عمارت می‌شود. البته گاه بازیگران به اشتباه سعی دارند لحظات کمیک کلامی ایجاد کنند، اما این لحظات آنقدر زیاد نیست که نتوان آن را نادیده گرفت. یکی از نمونه‌های این گونه سریال‌های طنز، سریال دودکش است که اوایل

سال ۹۲ از همین شبکه پخش شد. مهمان ناخوانده نیز مثال دیگری است که آن هم به همین شیوه از طنزهای معمول تلویزیونی فاصله گرفته بود. اما در متن این سریال طنز یک خصیصه دیگر وجود دارد که مدت‌هاست در سریال‌های اینچینی کمتر از آن استفاده شده است و آن حضور شخصیت راوی ست آن هم از نوع اول شخص. اگر چه حضور راوی از هر نوع بسته به سلیقه نویسنده و کارگردان است، اما انتخاب درست و بجای آن می‌تواند فضای کلی اثر و اتفاقات داستانی را تحت تاثیر قرار داده، متفاوت کند. به عنوان مثال در مینی‌سریال لیلی با من است که یکی از ماندگارترین طنزهای ایرانی است، روایت متفاوت پرویز پرستویی از آنچه اتفاق می‌افتد و بیننده شاهد آن است، طنز فیلم را خاص و به یادماندنی کرده است. در عصر پاییزی نیز راوی که درگیر ذهنیات عجیب و غریب خود است، داستان را روایت می‌کند. همه چیز از دید او طور دیگری به چشم می‌آید، او مدام در فضای ذهنی خود جا می‌ماند و متوجه حوادث واقعی که در اطراف او رخ می‌دهد نیست و در واقع روایت شخصی او به فضای ذهنی خود او محدود است و آنچه بیننده از دید راوی دانای کل یعنی لنز دوربین می‌بیند چیز دیگریست که او را جلوتر از روایت راوی اول شخص



خصلت را داشت. البته سانسجه رانندگی دو سال پیش هم باعث شده تا شدت آن بیشتر شود. زیرا هنگام وقوع آن سانسجه مجید همراه پدرش در حال برگشت از یک مسافرت کاری از همدان به تهران بود و خوشبختانه هیچ آسیبی ندید. اما خانم سعیدی اعتقاد دیگری دارد و گمان می‌کند مجید به علت دیدن صحنه تصادف و وضع جسمانی پدرش در آن لحظه گوشه‌گیر شده است و روز به روز شرایط بدتری را تجربه می‌کند. مجید اگرچه حواس چندان جمعی ندارد و محیط‌های شلوغ را تاب

قرار می‌دهد. این دوگانگی در حوادث، کنش و واکنش و گرہ‌های داستانی که در دو راوی فیلم موجود است می‌توانست طنز جذابتیری ایجاد کند که هم فانتزی ملموس‌تری داشته باشد و هم با استفاده از تضاد و پارادوکس روایی طنز را پرمایه‌تر از چیزی که هست، شکل دهد. اما متاسفانه این خمیرمایه‌ای که در متن دیده می‌شود، به عمل درنیامده و در سطح اولیه خود محدود مانده و ارائه شده است.

یکی از خصوصیات این سریال استفاده از بازیگرانی است که کمتر در سریال‌های کمیک ایفای نقش کرده‌اند. از جمله نسرین مقانلو، مهتاج نجومی، علی عمرانی، سینا رازانی و غیره که بیشتر و پیشتر آنها را در نقش‌های مثبت و منفی سریال‌های پلیسی و درام‌های اجتماعی دیده‌ایم و همین مساله باعث شده تا آنها بازی متفاوتی داشته باشند و طنز و طنازی شخصی خود را بر فضای اثر حاکم کنند و از تکرار کمدی کمدین‌های سینمایی و تلویزیونی ایران، پرهیز به عمل آورند. در این مجموعه تلویزیونی حتی بهنوش بختیاری که یکی از همین کمدین‌های نامبرده است، بازی متفاوت و طنز شیرینی دارد که سوا از دیگر تجربه‌های اوست.

ویژگی دیگری که در این سریال بارز است، تصویربرداری آن با مدیریت سیروس عبدلی است. از آنجا که یکی از خصوصیات یک سریال کمیک ریتم تند اتفاقات و حوادث پی در پی است، بیشتر این سریال‌ها از کات‌های فراوان و پلان‌هایی که از زمانبندی کوتاهی برخوردارند استفاده می‌کنند یا در فیلم‌هایی که رگه‌های فانتزی دارند به لنزهای فیش آی رو می‌آورند یا زوایای عجیب و غریب که گاه نه تنها فانتستیک ماجرا را عینیت نمی‌دهند، بلکه بی‌معنا و زائد به نظر می‌رسند، سود می‌جویند. اما در این سریال و در قسمت‌هایی که تاکنون از آن پخش شده است، خبری از این ماجرا نیست و تصویربردار بدرستی از پلان‌های درازمدت، اما پویا و نه ساکن بهره برده است. گروه فیلمبرداری با دریافت این موضوع که پلان‌های کوتاه وقتی می‌تواند طنز بصری ایجاد کند که در کنار پلان‌های بلند قرار بگیرد و ناغافل به نظر برسد، توانسته‌اند رابطه‌ای همگن با دیگر عوامل سازنده فیلم همچون جنس بازی بازیگران، فیلمنامه سریال و فضا‌سازی صحنه ایجاد کنند تا در مجموع عصر پاییزی خوب از آب دربیاید.

تدوین این مجموعه نیز که سیامک مهماندوست تدوینگر پرتجربه و به نام سینما و تلویزیون، آن را به عهده دارد، همچون فیلمبرداری و صداگذاری دقیق فیلم، کمک شایانی به بهبود تولید آن کرده است. موضوع دیگری که عنوان آن خالی از لطف نیست، موسیقی متن و موسیقی تیتراژ است که توسط فرزین قره‌گزلو ساخته شده است. این موسیقی که سازبندی آن با شناخت درستی که آهنگساز از ویژگی صوتی سازها دارد با استفاده از پیانو، هارمونیکا، گیتار نایلون، گیتار استیل و ویولون ساخته و نواخته شده است، بخوبی فضایی شاد، فانتستیک و در عین ملو بودن، با تاش‌های ظریفی از هیجان که توسط ویولن به آن اضافه می‌شود را به اثر نهایی القا می‌کند.

نمی‌آورد، اما دست‌کم با تلویزیون رابطه‌اش خوب است. او می‌تواند ساعت‌ها مقابل تلویزیون بنشیند و پلک نزد و تمام برنامه‌های آن را به گفته خودش تورق کند! شاید مجید تلویزیون را همدمی متکلم وحده می‌داند که نیازی نیست در گفت‌وگو با آن مشارکت فعالی داشته باشد. مجید تک‌گویی‌های تلویزیون را بهانه‌ای برای پرکردن سکوت خانه‌شان می‌داند و اعتقاد دارد تلویزیون می‌تواند همدم خوبی برای او و مادرش در زمانی باشد که او تمایل چندانی به حرف زدن ندارد. او از کم‌حرفی و بی‌حوصله بودن خودش دلگیر است. اما هر کاری می‌کند نمی‌تواند مطابق خواسته‌های مادرش رفتار و انتظارات او را برآورده کند. به همین دلیل خانه خانم سعیدی فضای بسیار راکدی دارد و سکوت، اصلی‌ترین جریان رایج آن است به علاوه حرف‌های مجری تلویزیون، دیالوگ‌های بازیگران سریال‌ها یا کارشناسی که درباره آخرین دستاوردهای حوزه آی.تی حرف می‌زند و آن دیگری که از شیوع افسردگی در دوره کنونی خبر می‌دهد.

همدمی به نام تلویزیون

در کلاس دوم دبیرستان تحصیل می‌کند. مجید برخلاف بعضی از همکلاسی‌هایش چندان پرشور و هیجان نیست. معمولاً آرام است، کتاب می‌خواند، ورزش می‌کند و به اصطلاح سرش به کار خودش گرم است. مائده خانم، مادر مجید هم از این رفتار فرزند خود ناراضی نیست و تنها از یک رفتار او دلخور است. این که پسرش هر وقت مشغول کاری می‌شود، تمام دقت و تمرکز خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند همزمان به حرف‌های مادر خود گوش سپرده و به سوالاتش پاسخ دهد. مائده خانم این رفتار مجید را از سر بی‌حوصلگی و بی‌توجهی او به خودش می‌داند. به همین دلیل هم تا به حال چند باری نزد مشاور رفته است. تنهایی، این روزها خانم سعیدی را رنج می‌دهد و او انتظار دارد تک‌فرزندش همصحبت لحظه‌هایش باشد. مجید از بچگی همین

رکسانا قهقراپی

مادر: مجید! حواست با منه؟

مجید: بله مامان.

مادر: صبح خانم شکری از مدرسه زنگ زده بود و زمان جلسه اولیا و مربیان رو خبر داد. به تو هم چیزی گفته بودن درباره اش؟

مادر دو بار سوال خود را تکرار می‌کند و مجید را صدا می‌زند.

مجید خیره به نقطه‌ای، روی مبل نشسته است و پاسخ نمی‌دهد.

این حکایت هر روز خانواده دو نفره خانم سعیدی و پسرش مجید است. او همسر خود را دو سال پیش در یک سانسجه رانندگی از دست داد. مجید ۱۶ سال دارد و

محک دانش پزشکی باشبکه سلامت

گزارشی از پشت صحنه برنامه «ضربان»



استرس و هیجان، جزئی از برنامه‌های زنده تلویزیونی است. اینجا در پشت صحنه «ضربان» هم همه با دقت کارشان را انجام می‌دهند تا روی آنتن زنده، اشکالی به وجود نیاید؛ اما حضور یک پزشک که در مورد بیماری‌های میچ دست صحبت می‌کند، بین عوامل پشت صحنه بحث‌های کوتاه مدتی راه می‌اندازد تا جایی که حتی برخی حرکات تمرینی و تشخیصی را که دکتر اسحاقی نشان می‌دهد با خود تمرین می‌کنند.

ضربان در استودیوی شماره ۴ ساختمان بسیج روی آنتن می‌رود. وارد استودیو که می‌شوم چند دقیقه‌ای از شروع برنامه گذشته و پزشک مهمان برنامه، دکتر اسحاقی که فوق تخصص جراحی ستون فقرات است، درباره درد و تنگی کانال‌های میچ دست صحبت می‌کند.

استودیوی شماره ۴، استودیوی کوچک و نسبتاً مدرنی است. مانیتورهای اتاق رژی، تصاویر دوربین‌های مختلف را نشان می‌دهد و یک تلویزیون بزرگ‌تر در گوشه سمت راست، خروجی آنتن را به تصویر می‌کشد. البته تصاویر این تلویزیون چند ثانیه‌ای از تصاویر مانیتورهای رژی عقب است. هشت نفر در اتاق رژی مشغول به کارند. تهیه‌کننده و دستیارش هم بیرون از استودیو مشغول هماهنگی‌های دیگر هستند.

مانیتورها همچنان داخل استودیو را نشان می‌دهند و دکتر اسحاقی که نام و سمتش مدام زیرنویس می‌شود، علائم تنگی کانال‌های میچ دست را توضیح می‌دهد. گزگز کردن، مورمور شدن، سوزن‌سوزن شدن و در نهایت بی‌حسی میچ دست از علائم این بیماری است. دکتر اسحاقی با بیانی راحت و قابل‌فهم برای مخاطبان توضیح می‌دهد. در استودیو هم توجه عوامل برنامه به علائمی که دکتر اسحاقی می‌گوید، جلب می‌شود و چند نفری از عوامل اتاق رژی، دستشان را بالا می‌آورند و به میچ دستشان توجه می‌کنند تا ببینند چقدر از علائم این بیماری در آنها وجود دارد.

توضیحات دکتر به تست‌هایی می‌رسد که هر کس می‌تواند آن را انجام دهد تا متوجه بیماری‌اش شود. بعد از این توضیحات، از تصویربرداری می‌خواهد نمایی از کف دستش را نشان دهد تا بتواند روی آن درباره اهمیت کف دست توضیح دهد.

در این فاصله، همراه با تهیه‌کننده ضربان به بیرون از استودیو می‌روم تا با او صحبت کنم.

اطلاعات به روز برای پزشکان

دکتر ابراهیم داروغه‌زاده، تهیه‌کننده برنامه می‌گوید: از وقتی شبکه سلامت تأسیس شد، موضوع سلامت به یکی از موضوعات محوری رسانه تبدیل شد؛ البته پیش از آن هم در برنامه‌های شبکه‌های سراسری، برنامه‌های سلامت محور داشتیم که اتفاقاً با استقبال خیلی خوبی مواجه شده بود. همین انگیزه شد تا یک شبکه تخصصی با موضوع سلامت در سازمان صداوسیما تأسیس شود. من هم تهیه‌کننده رسمی سازمان و پزشک هستم، در نتیجه خودم خیلی علاقه‌مند بودم، بتوانم در این حوزه، که هم به رشته تخصصی‌ام و هم به تجربیات تهیه‌کنندگی‌ام مربوط می‌شود، برنامه‌ای داشته باشیم که در حد امکان به نیازهای مخاطب در این حوزه پاسخ بدهد.

او ادامه می‌دهد: برنامه ضربان هر روز از ساعت ۴ تا ۵ بعدازظهر، به صورت زنده و ترکیبی از شبکه سلامت پخش و در طول شبانه‌روز هم تکرار می‌شود. در هر جلسه از این برنامه، به یک بیماری می‌پردازیم یعنی موضوع بیشتر برنامه‌ها این است که بتوانیم اطلاعات کافی راجع به بیماری‌هایی که شیوع بیشتری دارند به مخاطب بدهیم.



و مجری برنامه، دکتر حسن‌نژاد صحبت کنم. چند دقیقه‌ای طول می‌کشد تا از استودیو بیرون بیایم. دکتر اسحاقی خارج از استودیو هم به پرسش‌های مربوط به بیماری پاسخ می‌دهد و حتی یکی از کارکنان ساختمان، عکس رادیولوژی به او نشان می‌دهد. او هم با لبخندی، عکس را می‌بیند و توضیحاتی می‌دهد.

جای چنین برنامه‌ای در رسانه خالی بود

دکتر اسحاقی که از سال گذشته با ضربان همکاری داشته، می‌گوید: جای چنین برنامه‌ای در رسانه خیلی خالی بود. یکی از مشکلات ما این است که مردم، اطلاعات غلطی دارند. یکسری اطلاعات وارد ذهن مردم شود و سال‌ها طول می‌کشد تا از ذهن پاک شود و این خیلی بدتر است. کسی که چیزی نداند خیلی بهتر است. به کسی که نمی‌داند می‌شود یاد داد اما کسی که بد بداند باید ابتدا آموزه‌های قبلی را از ذهنش خارج کنیم و بعد چیز جدیدی به او یاد بدهیم.

او اضافه می‌کند: شبکه سلامت (هم رادیو و هم تلویزیون) در افزایش دانش پزشکی مردم بسیار موثر است. معنای دانش پزشکی این نیست که با چیزهایی که یاد گرفته‌اند پزشکی کنند. مهم این است که بموقع به پزشک مراجعه کرده، پیشگیری و علت‌شناسی کنند و این موارد باعث کم شدن بیماری‌ها می‌شود. در کشور ما بیماری زیاد است، چون خیلی از مردم نمی‌دانند چه کار کنند، یعنی بد کار می‌کنند. از موسیقیدانی که آلت موسیقی‌اش را بد نگه می‌دارد گرفته تا کسی که نمی‌داند چطور باید بار بلند کند.

او هم مثل داروغه‌زاده تأکید می‌کند برنامه‌های سلامت رادیو و تلویزیون را بسیاری از پزشکان هم می‌بینند و ادامه می‌دهد وقتی در خانه نشسته و به برنامه‌های رادیو گوش می‌کنم و یک همکار، داروی جدیدی معرفی می‌کند به دانش من افزوده می‌شود و

فردا یا پس فردای روزی که هر برنامه پخش می‌شود، وقتی به اتاق عمل می‌رویم متوجه می‌شویم تعدادی از جراحان هم رشته ما هم آن را دیده‌اند. آنها می‌گویند این برنامه‌ها نوعی یادآوری است.

اعتماد مردم به برنامه‌های سلامت محور

دکتر حسن‌زاده هم به عنوان کارشناس - مجری با ضربان همکاری می‌کند. او هم از ابتدا با ضربان همراه بوده است. حسن‌زاده توضیح می‌دهد: برنامه ضربان را تقریباً از آبان سال گذشته روی آنتن بردیم ابتدا به صورت تولیدی بود و پس از یکی دو هفته، به صورت زنده روی آنتن رفتیم. خوشبختانه این برنامه، مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته است. اعتماد مردم نسبت به مباحث سلامت محور در برنامه‌های صداوسیما بالاتر از دیگر برنامه‌هاست و مردم به این مقوله، بسیار اعتماد دارند؛ چون وقتی یک پزشک مهمان برنامه است، کاملاً به حرفی که می‌زند اطمینان می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: من مجری برنامه‌هایی در شبکه‌های دیگری بوده‌ام از جمله «سلامت باشید» در شبکه سه و «سب» در شبکه پنج اما خوشبختانه شبکه سلامت برخلاف چیزی که اوایل افتتاح از آن انتظار می‌رفت، مخاطبان زیادی دارد. ما از اقصی نقاط کشور تلفن داریم و آمار پیامک‌ها هم حیرت‌انگیز است. از یک ربع تا شروع برنامه تا نیم ساعت بعد از شروع برنامه، تلفن ما همچنان زنگ می‌خورد و این نشان می‌دهد این برنامه چقدر جای خودش را در دل مردم باز کرده است. چیزی را که مردم مایل هستند بشنوند می‌توانند از این برنامه دریافت کنند.

این مجری که خود در رشته پزشکی تحصیل کرده، درباره لزوم به کارگیری کارشناس - مجری‌ها در برنامه‌های تلویزیون می‌گوید: سازمان صداوسیما و برنامه‌های مختلف آن تخصصی می‌شوند و دنیا به سمت تخصصی شدن پیش می‌رود. در بیشتر برنامه‌های سازمان هم مجریان تخصصی هستند. یعنی برنامه‌های اقتصادی را کارشناسان اقتصادی و برنامه‌های سیاسی را کارشناسان سیاسی اجرا می‌کنند. مطمئناً در خصوص سلامت هم، اگر کارشناس - مجری‌های سلامت متخصص باشند، می‌توانند تأثیر بیشتری بگذارند.

استرس‌های برنامه زنده

حالا استودیو خالی شده است اما عوامل اتاق رژی و کارگردان تلویزیون بیرون استودیو منتظر هستند تا برنامه دیگری که اخبار سلامت است، روی آنتن برود. مژگان باورصاد درباره درس‌های برنامه زنده می‌گوید: به طور کلی تولید زنده استرس دارد. چون باید سر وقت شروع شود، سر وقت پایان باید و اگر توسط هر کسی خطایی پیش بیاید قابل جبران نیست. ولی من که سال‌های زیادی کار کرده‌ام و با نیروهای حرفه‌ای کار می‌کنم استرس زیادی را متحمل نمی‌شوم، مگر این که موارد خاصی پیش بیاید مثلاً دستگاه‌های فنی به هم بربزد و اتفاق‌های غیرروتینی بیفتد. دستگاه‌ها ممکن است خراب شوند یا کارایی‌شان کم شود و ما مجبور شویم به شکل دیگری از آنها استفاده کنیم. این مساله به خودی خود با هیجان و استرس همراه است.

او ادامه می‌دهد: هفته قبل یکی از لامپ‌های دکور افتاد. سعی کردیم از نماهایی که این لامپ‌ها دیده نمی‌شود، استفاده کنیم.

این کارگردان تلویزیون توضیح می‌دهد: وسایلمان معمولاً کار کرده است و خیلی دیر جایگزین می‌شود، چون قیمت‌شان گران است و بحث تحریم هم وجود دارد. این وسایل معمولاً زیاد تعمیر می‌شوند، به همین دلیل خیلی پیش می‌آید خراب باشند، مثلاً صدا نمی‌رود یا دوربین فوکوس نمی‌کند. در این جور مواقع خودمان را محدود می‌کنیم، مثلاً نمای نزدیک نمی‌گیریم، چون اصل این است که برنامه بموقع روی آنتن برود یا حداقل اشکال از طرف ما نباشد. به هر حال برای کنداکتور زحمت کشیده شده و عده زیادی از صبح تلاش می‌کنند برنامه بموقع روی آنتن برود این درست نیست که ما به این موضوع کمک نکنیم.

فناوری دیجیتال در خدمت رسانه ملی

نگاهی به پیشرفت‌های فنی سینما و تلویزیون به بهانه برگزاری نمایشگاه تجهیزات

محمد جلیوند

سینما و تلویزیون به لحاظ تکنیکی در یک دهه اخیر روند رو به رشدی داشته و ابزار جدید نقشی کلیدی در تولید دسته‌ای از آثار داشته‌اند که تولید آن در دهه‌های گذشته به هیچ وجه امکان‌پذیر نبوده است. برای نمونه می‌توان به فیلم‌ها یا مجموعه‌های تلویزیونی متکی بر جلوه‌های ویژه اشاره کرد که بشدت مورد توجه طیف‌های مختلفی از مخاطبان قرار گرفته‌اند. بحث نگاتیو در سینما بحثی مهم و کلیدی در این هنر - صنعت است که در بسیاری موارد دست فیلمساز را در ارائه اثری بهتر به واسطه گرانی نگاتیو بسته است. اتفاقی که سینمای ایران بشدت درگیر آن بوده و از این حیث، گاه لطامت، حیا، نابذ در یافت کرده است.

به مرور دنیای دیجیتال به سینما و تلویزیون هم گام نهاده و تغییرات بنیادینی در آنها به وجود آورد. دوربین‌های فیلمبرداری دیجیتال با وجود برخی مشکلات، به مرور جایگزین ناکتیب شد و دست کارگردان‌ها را برای ضبط برداشت‌های بیشتر و رسیدن به نتیجه مطلوب بازگذاشت. از سوی دیگر هزینه‌ها را نیز تا حدودی کاهش داد و به اقتصاد این دو مدیوم نیز کمک شایانی کرد. در ادامه، بحث سبکی دوربین‌های یادشده در مقایسه با دوربین‌های آنالوگ پیش آمد که در نماهای بیرونی کار گروه فیلمبرداری را راحت کرد و سرعت کار را نیز افزایش داد. در بخش سالن‌های نمایش نیز به مرور آپارات‌های قدیمی کنار گذاشته شدند و سیستم‌های پخش دیجیتال با کیفیتی بشدت بهتر جایگزین آن شده و هزینه چاپ کپی‌های متعدد را از دوش تهیه‌کنندگان برداشت. این اتفاق به



آوای باران از سر حال به است که با دوربین دیجیتال فیلمبرداری شده است.

رفته و به تبع آن هزینه‌های تولید نیز افزایش می‌یافت. برای نمونه می‌توان از مجموعه خاطره‌انگیز «سلطان و شبان» یاد کرد که با همین دوربین‌ها تصویربرداری شده و در بازپخش‌های خود در سال‌های بعد با افت بسیار کیفیت تصاویر همراه می‌شد!

در سال‌های اخیر گام‌های بلندی در این زمینه برداشته شده و کیفیت کارهای تلویزیونی تا حدودی به سطح استاندارد نزدیک شده است. به عنوان مثال می‌توان بادی از پخش مستقیم مسابقات فوتبال داخلی کرد که بسیار چشم‌نوازتر از گذشته شده و تماشای آن را لذت بخش‌تر کرده است. مجموعه‌های تلویزیونی که با دوربین‌های دیجیتال تصویربرداری شده‌اند نیز با موفقیت بیشتری در مواجهه با مخاطبان روبه‌رو شده و دست کارگردان را برای خرج خلاقیت بیشتر بازگذاشته است. برای مثال کافی است به عنوان‌بندی مجموعه تلویزیونی پربیننده «آوی باران» ساخته حسین سهیلی‌زاده که بتازگی پخشش به پایان رسیده، توجه کنید.

پخش برنامه‌های تلویزیونی با کیفیت اچ‌دی گام بلند دیگر سمای جمهوری اسلامی ایران برای نزدیک شدن به استانداردهای جهانی است که باید هر چه سریع‌تر صورت گیرد، زیرا مخاطب مجهز به تلویزیون‌های پیشرفته امروزی با امکانات فوق‌العاده‌اش دیگر راضی به کیفیتی پایین‌تر از شبکه‌های ماهواره‌ای نیست. از طرف دیگر برای میزبانی برخی مسابقات ورزشی جهانی به کیفیت پختی در این ابعاد نیاز داریم که رعایت نکردن آن می‌تواند حتی به قیمت از دست دادن امتیاز میزبانی ختم شود. موضوعی که در ۳-۲ ماه گذشته در خبرهای مربوط به بازی‌های لیگ جهانی والیبال مطرح و یکی از شروط فدراسیون جهانی والیبال برای میزبانی ذکر شده است.

برگزاری نمایشگاه تجهیزات سینمایی همزمان با جشنواره فیلم فجر اتفاق فرخنده‌ای است که می‌تواند به‌نفع سینما و تلویزیون عمل کرده و به رشد فنی صنعت سینما و تلویزیون کمک شایانی کند و روند پیشرفت آن را سرعت بخشد.

می‌توان به‌اتفاق تلخ ماه گذشته انفجار سر صحنه فیلم
مراجی‌ها ساخته مسعود ده‌نمکی اشاره کرد که یکی
از بهترین نیروهای جلوه ویژه (جواد شریفی‌راد) را
از سینمای ایران گرفت. در تلویزیون نیز شاهد این
پیشرفت‌های تکنیکی بوده‌ایم که تصاویر و صداهای
چشم‌نوازتری را در اختیار مخاطبان خویش قرار می‌دهد.
در دهه ۱۳۶۰ معدود مجموعه‌های تلویزیونی تولید شده
با دوربین‌های غول‌پیکر استودیویی فیلمبرداری می‌شدند
که در نماهای خارجی مشکلات زیادی را سر راه گروه
قرار می‌داد. مدت فیلمبرداری در آثار یاد شده بالاتر

مرور در سینمای ایران نیز در حال رخ دادن است و به احتمال بسیار تا پنج سال آینده دیگر در سینماهای کشور اثری از آپارات‌های ۳۵ میلیمتری دیده نخواهد شد. جلوه‌های ویژه رایانه‌ای نیز در این سال‌ها رشد چشمگیری کرده و جای مانور زیادی با توجه به حذف نگاتیو به واسطه دست و پاگیری بودن آن هنگام مراحل فنی کار یافته است. جلوه‌های ویژه میدانی به واسطه همین پیشرفت فنی به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا کرده و خطرات ناشی از آن که در سینمای ایران کم هم نبوده به حداقل ممکن رسیده است. برای مثال،



فروشگاه هایپر هیپی مارت
هیپی مارت
happymart

پانزدهمین سالروز از استقرار هیپی مارت آستان،
 بلوار شهید چمرانی، روی روی پردیس گیان،
 هیلمان هیپی مارت
 میدان محمدیه، خیابان مولوی غازی،
 بعد از بانک کشاورزی، مجتمع رشد
 فروشگاه هایپر هیپی مارت
 تلفن: ۵۵۸۸۷۱۳۳
happymart.ir



مجموعه مبلمان منزل ...

«در بند اروند»، ادای دینی به شهدا

روایت کارگردان و ۲ بازیگر از دغدغه‌هایی که به تولید مینی‌سریال «در بند اروند» انجامید

روح‌اساسان



این فرد به دلیل هم محلی بودن با دو جوان که همدیگر را دوست دارند، مطلع می‌شود می‌خواهند باهم وصلت کنند؛ اما بعدها که این ازدواج سر نمی‌گیرد، دیگر اهالی و افرادی که این دو را می‌شناسند از سیدصادق ماجرا را می‌پرسند.

فرجاد ادامه می‌دهد: من مدت زیادی در سریال بازی نداشتیم و همراه گروه نبودم، اما می‌دانم دست‌اندر کاران سپاه کربلا به دنبال قدرانی از مقام شهدا بودند و این هدف را می‌خواستند در قالب یک قصه دنبال کنند تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

این بازیگر می‌گوید: خود من به این گونه پاسداشت‌ها و اقداماتی که برای یادآوری جایگاه شهدا صورت می‌گیرد، اعتقاد زیادی دارم و این را از نزدیک دیدم که گروه سفارش‌دهنده و عوامل نیز به همین علت تلاش کردند. وقتی یک گروه خوب و همدل کنار هم کار می‌کنند، نتیجه آن در خروجی سریال انعکاس می‌یابد؛ البته من در طول تولید سریال فقط سه بار به شمال کشور سفر کردم و در مجموع شش روز آنجا بودم، اما در همین مدت هم احساس خوبی داشتیم و کارها با آرامش پیش رفت. درباره همکاری با سیامک صرافت در اولین تجربه سریال‌سازی‌اش باید بگویم به نظرم او کارگردانی است که کارش را بلد است و همین مساله هم قدم بزرگی در این حرفه است. به نظرم ایشان با کسب تجربه‌های بیشتر و پیش رفتن در کارشان، یکی از کارگردانان بنام ما در آینده خواهد بود.

کار مردم خوب هریکنده هم به ما بسیار لطف داشتند. او در ادامه می‌گوید: تا به حال تجربه همکاری با سیامک صرافت را نداشتیم، اما پسرمان احسان افشاریان در یکی دو تله‌فیلم، صداگذاری کارهای ایشان را به عهده داشت. من درباره ویژگی‌ها و کیفیت کار ایشان با پسرمان مشورت کردم و او هم از آقای صرافت بسیار تعریف می‌کرد. من در عمل این نکته را دیدم که صرافت کارگردان دقیقی بود که در کارش جدی عمل می‌کرد و کار ساخت این سریال را در شرایط برنامه‌ریزی شده و دقیق پیش می‌برد. خوشبختانه سریال در بند اروند دارای لوکیشن‌های متعددی بود و در مناطق مختلفی از استان مازندران تصویربرداری داشتیم. مسئولان این استان هم در پی آن بودند تا خاطره شهدا زنده شود و مردم را به یاد این عزیزان ببندازند. به نظرم این کارها برای زنده نگهداشتن یاد شهدا تأثیر بیشتری دارد و ماندگارتر است. در حالی که بزرگداشت‌ها و گرهمایی‌ها معمولاً تأثیر مقطعی دارند. همچنین در این سریال از لوکیشن‌های بسیار زیبایی استفاده شد و در باغ‌های زیبای پرتقال و کیوی ضبط داشتیم. برای مثال همین امروز نمایی از چند درخت سرو دیدم که سر به آسمان کشیده‌اند و برایم جذابیت زیادی داشت.

جلیل فرجاد، بازیگر قدیمی تلویزیون نیز در سریال دربند اروند در یکی از نقش‌ها بازی کرده است. او درباره نقش خود می‌گوید: سیدصادق در سریال دربند اروند کسی است که با تعدادی از بچه‌های محلشان به جبهه می‌رود.

رزمنده دانشجو، دانش‌آموز و فرهنگی این روستا را که به مقام شهادت نائل شدند، روایت می‌کند.

او درباره تولید این سریال می‌گوید: در تولید این سریال، کار سختی پشت سر گذاشتیم و معتقدم باید صبر کرد و نتیجه آن را دید. نمی‌دانم چقدر در این تجربه کارم موفق بوده‌ام، اما همین را می‌دانم که تمام تلاشم را کردم و در هیچ بخشی از کار کم‌فروشی نکردم.

صرافت در ادامه با اشاره به یک خاطره درباره میزان رضایتش از دربند اروند می‌گوید: به‌خاطر دارم یکی از روزهای پایانی تصویربرداری کار بود که سرداری از من پرسید به نظرت نتیجه کار چطور شده و من واقعا نمی‌دانستم باید دقیقاً چه جوابی بدهم به او گفتم شرایط من مثل پدری است که فرزند خود را بزرگ کرده است و سعی کرده فرد شایسته‌ای تربیت کند، اما واقعا از جایی به بعد تربیت او فقط وابسته به پدرش نیست.

زهره سعیدی، یکی از بازیگران دربند اروند نیز درباره



نقش خود در این مینی‌سریال تلویزیونی می‌گوید: خاتون، زنی رنج‌دیده است اما به دلیل وسعت دیدی که دارد، شرایط زندگی‌اش را مدیریت می‌کند و حواسش به زندگی فرزند و نوه‌اش است. این فرد در واقع مادر دو رزمنده‌ای است که یکی از آنها آزاده است و بعد از جنگ بازمی‌گردد و دیگری در طول جنگ مفقودالاثر می‌شود. حال و هوای این زن در قصه این است که همین دو فرزند را داشته و حالا یکی از آنها حضور ندارد و دیگری هم با گذشته خود فرق کرده است. نقش من در این سریال از نظر سنی با خودم فاصله زیادی دارد و در اینجا نقش زنی که‌نسال را بازی می‌کنم.

سعیدی با اشاره به درونمایه این سریال ادامه می‌دهد: من به شهدا ارادت خاصی دارم، زیرا برادر همسر من در هفده سالگی به شهادت رسیده است و من با پذیرفتن این نقش و قرار گرفتن در حال و هوای قصه، خاطره شهادت ایشان برایم زنده شد و به سال ۶۱ رفتم، در ضمن در این

مجموعه تلویزیونی «دربند اروند» که پخش آن در قالب مینی‌سریال همزمان با آغاز دهه فجر از شبکه سه سیما آغاز شده، اثری مناسبی است که به تهیه‌کنندگی سعید مرادی و کارگردانی سیامک صرافت در هفت قسمت ۴۵ دقیقه‌ای قصه دو برادر را روایت می‌کند که به جبهه رفته‌اند و یکی از آنها مفقودالاثر شده و دیگری باز می‌گردد. حالا فرد بازگشته از رازی پرده برمی‌دارد. این مینی‌سریال که نخستین تجربه سریال‌سازی سیامک صرافت است در شمال کشور و به سفارش سپاه کربلا ساخته شده است. در قصه این مجموعه، بهزاد (عمار تقی) نویسنده جنگ و انقلاب است و تا به حال چند کتاب در این حوزه تألیف کرده است. به او پیشنهاد می‌شود نگارش یک فصل باقیمانده از کتابی را به عهده بگیرد و آن را تمام کند و با این اتفاق بهزاد در روند زندگی‌اش با تغییری مواجه می‌شود.

به گفته عوامل دربند اروند، یکی از دلایل موفقیت این سریال وجود آرامش و برخورداری از شرایط حرفه‌ای در تولید بود، به طوری که طرح در ۴۵ روز تصویربرداری (یعنی به طور تقریبی روزی ۹ دقیقه و هر ساعت چیزی بیش از ۴۵ ثانیه) تصویربرداری شد و این عدد بازده مطلوبی در تولید یک سریال است.

سیامک صرافت، کارگردان مینی‌سریال دربند اروند



معتقد است، ساخته‌شدن این کار تلویزیونی برای او یک فرصت ویژه به منظور پاسداشت مقام شهدا بوده است. او می‌گوید: من کارگردانی‌ام در سریال دربند اروند را صرفاً یک انجام وظیفه می‌دانم و مهم‌تر از آن ادای دینی است که نسبت به شهدا احساس می‌کنم. من دوازده ساله بودم که جنگ تمام شد. بنابراین شاید نتوانم خیلی مستند راجع به آن حرف بزنم یا به خاطراتم اشاره کنم، اما قصه در بند اروند برگرفته از واقعیت است و در گذشت ۲۵

امیر افشارفتوحی

«باغ سرهنگ» عنوان سریالی طنز به نویسندگی و کارگردانی فلورا سام است و پس از مجموعه‌های تلویزیونی «ناز و نیاز» و «راز پنهان» سومین اثر او در مقام کارگردانی محسوب می‌شود. سام در نگارش باغ سرهنگ با نگاهی طنز به موضوعاتی پرداخته که در طول روز بسادگی از کنارشان می‌گذریم و داستان جوانی را دستمایه قصه خود قرار داده که برای ضبط آلبوم موسیقی خود دچار مشکل مالی شده است. او تصمیم می‌گیرد با عقد نامزد خود از وام ازدواج برای حل مشکلش استفاده کند. پس از عقد، چون جایی برای زندگی ندارند تصمیم می‌گیرند از باغ متروکه سرهنگ که متعلق به اقوام دور است، برای زندگی استفاده کنند. هادی با بازی خوب نیما فلاح در باغ باروخ ارسلان روبه‌رو می‌شود، کسی که ۷۰ سال پیش با وارث باغ یعنی خانم رحمت‌الملوک قصد ازدواج داشته، ولی قبل از مراسم عروسی می‌میرد.

فلورا سام با مطرح کردن گره شورای شعر و در انتظار مصوبه اشعار بودن، در واقع تنها حلقه اتصال قصه و طولانی شدن سربالشی را رقم می‌زند و در این میان می‌خواهد همه معضلات را مطرح کند؛ از پارتی بازی در شورای شعر و پولکی بودن استادی که شعرهای آلبوم هادی خوشمرام را سروده تا مقایسه عشق‌های امروزی با روزگاران گذشته که همه را در قالبی فانتزی و طنز مطرح می‌کند.

پشت کنکور ماندن هدی خواهر هادی، دادن تسهیلات وام ازدواج (که

همه دغدغه‌های فلورا سام



هادی بخش اعظمی از آن را برای تعمیر ماشین برادر زنش به باد می‌دهد)، مشکل جوانان برای کار و رسیدن به آمال و آرزوهایشان و پر تنش بودن زندگی امروزی در مقابل آرامش ارسلان (به عنوان نماینده‌ای از نسل قدیم که از تأثیرات زندگی ماشینی بی‌بهره بوده) از دغدغه‌های دیگر سام در این سریال است. تفاوت خوانندگی ارسلان با اشعاری که می‌خواند در کنارخوانندگی و اشعار هادی خوشمرام نشان از تقابل آمال و آرزوهای دو نسل دارد که کارگردان بخوبی آن را نشان می‌دهد.

در واقع این نگاه ریزبین سام به اطراف و جامعه به گونه‌ای حس

همذات‌پنداری مخاطب را بر می‌انگیزاند که کمتر به نقص‌ها فکر کند و در کنار سرگرم شدن به اطراف خودش با دقت بیشتری بنگرد؛ بنابراین نبود پلان‌هایی که حضور روح را برای مخاطب ملموس کند، به حساب کمبود بودجه و عدم امکانات و زمان محدود تولید می‌گذاریم. ازدواج پنهانی هادی خوشمرام با توجه به مخالفت‌های پدرش را به حساب فرهنگ جوانان امروز می‌گذاریم نه فرهنگ‌سازی توسط این سریال و پذیرفتن بی قید و شرط خانواده سمیرا در سپردن او به پسری که بدون اجازه خانواده‌اش دخترشان را به عقد خود درمی‌آورد را هم می‌گذاریم به حساب ترشیدگی سمیرا خانم و همه اینها را هم می‌گذاریم به حساب معضلات جامعه که قاعدتاً باید در آثار هنری به آنها پرداخت.

فلورا سام، نویسنده خوبی است و در تجربه کارگردانی هم تا حدی موفق عمل کرده و اگر چه باغ سرهنگ در همین اندازه‌ای که ارائه شده قابل قبول است و برای سام یک گام به جلو محسوب می‌شود؛ اما می‌دانم اگر روی یک موضوع و مضلل زوم می‌کرد و آن را در بطن قصه‌اش پرورش می‌داد قطعاً اثر موفق‌تری روانه آنتن تلویزیون می‌کرد. تقابل دو نسل، مشکل میزی، مشکل ازدواج و وام، مشکل بی‌خانگی، کسادگی کار و نرسیدن به آمال و آرزوهای جوانان، اختلاف فامیلی و دعوای دو جاری با یکدیگر، کارگاه بازی‌های شادی و مادرش و موضوعات دیگر همه باعث شده ذهن نویسنده بیشتر در گیر مطرح کردن آنها شود و از شخصیت‌پردازی و بنا کردن ساختمان مستحکم در درامی که به تصویر می‌کشد، غافل شود.

از بوی گل سوسن و یاسمن آید و خمینی ای امام گرفته تا بهاران خجسته یاد را این روزها زیاد می‌شنویم. وقتی پای این سرودها در میان باشد، نمی‌شود از رضا رویگری، خواننده سروده یادمندنی ایران ایران یاد نکرد. او که در روزهای انقلاب ۲۵ سال بیشتر نداشته است تا پیش از خواندن این سرود به‌عنوان بازیگر تئاتر شناخته می‌شد، اما پس از خواندن این سرود انقلابی باعث شد نام رویگری به‌عنوان بازیگر - خواننده میان مردم جا بیفتد. هرچند پس از سرود ایران ایران، رویگری سرود انقلابی دیگری را اجرا نکرد و تنها به‌عنوان بازیگر سریال‌ها، تله‌فیلم‌ها و فیلم‌های سینمایی مثل مختارنامه، سال‌های مشروطه، داروندار و زمانی برای عاشقی در یادها بماند، اما همان یک سرود کافی بود تا یاد او همیشه در ذهن‌ها بماند و به قول خودش مردم هر وقت او را می‌بینند علاوه بر تعریف از بازیگری‌اش از او بخوانند سرود ایران ایران را برایشان اجرا کند. او از حال و هوای اجرای این سرود در آن سال‌ها برآیمان گفته است.

گپی با رضا رویگری به بهانه پخش سرود «ایران، ایران» در این روزها

بازیگری و خوانندگی‌ام مکمل هم هستند

سرود ایران ایران در چه روزها و شرایطی شکل گرفت؟ چه شد به شما پیشنهاد خواندن این آهنگ را دادند؟

همه جا حکومت نظامی بود و مردم در خیابان‌ها و در حال شعار دادن بودند. در آن روزها من و تعدادی از دوستانم مشغول تمرین نمایشی با عنوان سهراب و عصر سنجاقک بودیم. یکی دو روزی که گذشت شلوغی به‌قدری زیاد شد که ما هم تمرین و نمایش را رها کردیم و زدیم به دل خیابان تا مثل مردم دیگر در انقلاب سهم داشته باشیم. همان موقع بود که فریدون خشنود، آهنگساز و تنظیم‌کننده سرود ایران ایران، یک روز به دم در خانه من در تجریش آمد و خواندن این آهنگ را به من پیشنهاد کرد. خشنود صدای من را در اجراهای تئاتر شنیده و از صدایم خوشش آمده بود، اما من زیاد دوست نداشتم این سرود را بخوانم، چون بازیگر تئاتر بودم و از خوانندگی خوشم نمی‌آمد. اما اصرارهای آقای خشنود باعث شد این کار را قبول کنم. بعد مشکل دیگری به‌وجود آمد و آن هم پیدا کردن استودیو برای ضبط کار بود. هیچ استودیویی حاضر نبود این سرود را ضبط کند، چون همه می‌ترسیدند. تا این که بالاخره استودیو صبا راضی به ضبط آن شد. هنگام ضبط این سرود آن قدر هراس داشتیم که چند نفر مراقب بودند تا یک وقت ماموران ساواک به استودیو نریزند و ما را نگیرند. ما چند دانشجو بودیم که با عشق و علاقه این کار را می‌کردیم و شب‌ها برای ضبط کار به دلیل حکومت نظامی مجبور به ماندن در استودیو بودیم. درست یادم نیست چه کسانی در ضبط این کار با من همکاری داشتند، ولی کار دکلمه، آذان و آواز این کار را خودم اجرا کردم.

واکنش مردم به این سرود چه بود؟

بعد از این که کار ضبط سرود تمام شد هر وقت تظاهراتی بود این سرود از بلندگوها پخش می‌شد. یادم هست یک روز که برای شرکت در تظاهرات رفته بودم مردم از پیچ شمشیران تا سر پل تجریش من را روی کولشان بردند.

این روزها وقتی سرود از تلویزیون یاد در جاهای دیگر پخش می‌شود چه احساسی پیدا می‌کنید؟

باز هم همان روزها به همان شکل برایم زنده می‌شود، ولی دیگر ترس و لرز و خطری در کار نیست. دچار همان حس و حال و شور و شوق می‌شوم، ولی اوضاع فرق کرده است. امروز دیگر برخی من را چندان به‌عنوان خواننده آن سرود قبول ندارند و فراموش کرده‌اند. وقتی می‌خواهم در برنامه تلویزیونی حاضر شوم، می‌گویند اگر رویگری می‌خواهد بیاید فقط از بازیگری حرف بزند نه از خوانندگی. با این اوصاف من همان آدم هستم، با همان احساسی که این سرود را خواندم و هنوز وقتی آن را می‌شنوم همان حس به من دست می‌دهد. هنوز مردم از من می‌خواهند این آهنگ را اجرا کنم. سرودی

جمع بگوید. بعد از انقلاب من به طور جدی وارد عرصه بازیگری شدم، اما بازی در تلویزیون و سینما اجازه نمی‌داد به طور جدی به موسیقی فکر کنم. در حالی که از همان موقع باید سراغ خوانندگی می‌رفتم نه بازیگری، چون از همان ابتدا قرآن را با صدای خوش تلاوت می‌کردم

و سال ۵۶ که دو قطعه منتشر کردم، باید موسیقی را به‌صورت جدی پیگیری می‌کردم. بعضی‌ها معتقدند وقتی کسی در کاری موفق است لزوماً به منزله موفقیتش در کارهای دیگر نیست، یا ممکن است کارهای جدیدش با اقبال زیادی مواجه نشود. این که از بازیگری به خوانندگی روی آوردید باعث افت کارهایتان یا انتقاد از شما نشد؟

نه اصلاً، این دو مکمل هم هستند. من زمانی به‌صورت تفننی موسیقی را دنبال می‌کردم، اما چند وقتی است به صورت جدی سراغ آن رفته‌ام، ولی نمی‌خواهم بازیگری‌ام لطمه بخورد. می‌خواهم موسیقی را به طور جدی پیگیری کنم و هر کاری را هم در تلویزیون به‌عنوان بازیگر قبول کنم. باید طوری وقتم را تنظیم کنم که هیچ کدام تحت تاثیر دیگری قرار نگیرند.

کمی از فعالیت‌هایی که این روزها در زمینه موسیقی دارید بگویید، چرا دیگر سرودهای انقلابی نخواندید و سراغ نوع دیگری از موسیقی رفتید؟

دو تا سی‌دی تاکنون از ترانه‌هایی که خوانده‌ام بیرون داده‌ام و سی‌دی سوم هم در سبک پاپ در دست تهیه است، اما هیچ وقت دیگر سرود انقلابی نخواندم، چون موقعیتش پیش نیامد و کسی هم پیشنهاد نکرد.



تبلت ۱۰ اینچ: ۳۹۹/۰۰۰ تومان

Screen: 10.1 inches	WiFi - Bluetooth - 4G
CPU: Dual Core, 1.8 GHz GPU: Quad Core RAM: 2GB	
Memory: 16GB	RAM: DDR3 1GB
Camera: 13MP	3G (3G+ 4G) 1500mAh

تلفن: ۰۱ - ۷۷۱۳۶۳۰۰

خرید ویژه خودروهای فرسوده به قیمت دهه نهم

سواری و وانت (حاجکری و نقدی)

سواری: ۲/۹۰۰/۰۰۰ تومان
 وانت: ۲/۴۰۰/۰۰۰ - ۳/۴۰۰/۰۰۰

انتقال رایگان خودرو ۷-۴۴۹۸۶۷۴۵

مرکز اسقاط کمترین یمان - کد ۱۷۱۸

فروش استثنایی چند قطعه زمین مسکونی

با مجوز ساخت در بهترین منطقه شهر جدید پردیس - به همراه تعدادی واحد ۵۸ و ۷۲ متر

با وام ۲۵ میلیونی

و فروش آپارتمان‌های مسکن مهر فاز ۱۱ و ۱۲

۸۸۹۵۱۳۱۶ - ۰۹۳۶۷۵۸۱۱۱۶

صلاح الدین کلا

کنار جنگل سینگان

دو خوابه، دوبلکس، ۲۰۵ متر زمین، ۱۳۵ متر بنا

محله فول امکانات

۲۲۶۰۸۶۶۲ - ۰۹۱۲۱۰۶۵۰۲۴

آگهی مفقودی

مدیر کارخانه نساجی ابراهیم هادی غلامی اسکویی فرزند یحیی ک - شماره شناسنامه ۲۵۷۷۷ صادره از تبریز در مقطع کارکنی رشته امور کامری - شماره کار و واحد شناسنامه هادی شهر با شماره ۲۶۹۰۰۰۴۹۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد

از پدیده نقابا می‌خواهد عمل مدیر کارخانه شناسنامه آید واحد هادی شهر به نشانی: هادی شهر - سهرانی پلایس راه رسال تولید

آگهی مزایده عمومی

شرکت تعاونی آذر کوچ آذربایجان به‌شماره ثبت ۳۰۱۲۷ در نظر دارد یک باب ساختمان مسکونی چهار طبقه (چهار واحد) خود را به‌صورت یکجا واقع در تهران - گیشا، خیابان نصر، خیابان جواد فاضل شرفی، پلاک ۲، به پلاک ثبتی ۷۲-۱۲۵۷۲ و ۷۲-۱۲۵۷۵ با شرایط زیر از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند

- ۱- فروش به‌صورت نقدی خواهد بود. ۲- هر واحد به‌متراژ ۹۳ متر مفید و نوسل با امکانات کامل (یک واحد بنون پارکینگ) ۳- واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌عنوان تضمین شرکت در مزایده به شماره حساب ۵۷۲۰۶۸۵۴۱ نزد بانک تجارت به‌نام تعاونی آذر کوچ آذربایجان ۴- هزینه آگهی مزایده برعهده برنده مزایده می‌باشد ۵- در صورت انصراف مبلغ واریزی به‌نفع شرکت ضبط خواهد شد ۶- شرکت در مزایده حق را برای کسی ایجاد نمی‌کند ۷- مهلت ارائه درخواست کتبی تا مورخه ۹۲/۱/۱۲۲ می‌باشد و تمدید نخواهد شد. ۸- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد ۹- ساعات بازدید از محل از تاریخ آگهی همه روزها از ۸ صبح تا ۱۷ عصر تا تاریخ ۹۲/۱/۲۴ می‌باشد

۰۹۱۴۳۰۴۴۲۶۶ - نیوی

هیات مدیره

«کارخانه بتن»

به‌متراژ ۹۷۵۰ متر مربع، سند ۶ دانگ

با پروانه بهره‌برداری و شهرداری و نشان استاندارد

در شهر قم در حال کار با کلیه امکانات

قیمت پایه فقط ۵۵۰ میلیون تومان

۰۹۳۳۲۵۲۳۰۰۲

دامپزشکی «فروش سرفلی»

۲۴ متر همکف، ۶ متر بالکن

ارتفاع ۴ متر، ۲۰ متر زیرزمین

«بانامی امکانات»

۰۹۳۶۸۷۴۷۶۵۲

رادیو قرآن و تأثیر گذاری بر نسل آینده

محمد مسلمی

یکی از ایده‌های مهم در اجرای برنامه‌های کودکان هویدا شدن نگاه مذهبی در این گونه برنامه‌هاست، زیرا به نظر تأثیر گذارترین بخش در برنامه‌سازی برای کودک، بحث اخلاق در جامعه است و اگر می‌خواهیم ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای ضد اخلاقی از بین برود، ابتدا باید از مقوله اخلاق شروع کنیم. با این نگاه انتظار می‌رود برندهای رسانه در حوزه برنامه‌های دینی و کودک بیشتر فعالیت کند تا نسل آینده، از ریشه با باورهای صحیح پرورش یابد.

رادیو قرآن با توجه به برنامه‌های پرشونده‌اش می‌تواند زمینه لازم را برای ارتباط محکم‌تر گروه سنی کودک و نوجوان با برنامه‌های مذهبی از طریق این شبکه رادیویی به وجود آورد.

یکی از نکاتی که باید به آن توجه شود، دستیابی به تعریف شفاف و کاربردی در کار دینی و کودک در رسانه است. باید توجه کرد برنامه‌سازی برای کودک و نوجوان به رده‌های گوناگونی تقسیم می‌شود و برای ساخت برنامه‌های مذهبی هم باید با شناخت این رده‌ها نسبت به برنامه‌سازی برای کودک اقدام کرد.

برنامه‌های مذهبی، مخاطب را با انگیزه‌تر می‌کند و انرژی مضاعفی به فرد می‌دهد. نوع نگاه و نگرش افراد را تغییر می‌دهد. ضمن آن که در بعضی جاها زنگ خطرهایی برایمان به صدا در می‌آورد. باید به این نکته توجه کرد که در کشور ما شیعه و سنی در کنار اقلیت‌های مذهبی با هم زندگی می‌کنند و این مسائل می‌تواند با زیبایی، ظرافت و دید هنری برای نسل آینده بیان شود. از سویی همه می‌بینیم و می‌شنویم که خصلت‌های ناپسندی چون غیبت کردن، رباخواری، ریاکاری و دروغ‌گویی، اعمالی ناپسند است که در جامعه رواج دارد. رسانه می‌تواند با بیان این مسائل برای نسل آینده موثر ظاهر شود، زیرا عامل نجات جامعه، توجه به مقوله اخلاق است.

این یک واقعیت است که از تأثیر قدرت دینی در رسانه‌ها کم استفاده شده است. بهترین سرمایه‌های رسانه، مخاطب کودک و نوجوان است و لازم است در قالب برنامه‌های مذهبی برای این گروه سنی کارهای حرفه‌ای‌تر با محتوای خاص ساخته شود. با بهره‌گیری از داستان‌های قرآنی می‌توان مفاهیم واقعی زندگی را با زبانی شیوا و مخاطب‌پسند ارائه کرد.

یکی از روش‌هایی که می‌تواند در برنامه‌سازی قرآنی برای نسل آینده مهم تلقی شود، مشارکت گروه‌های موفق برنامه‌ساز است. به عنوان نمونه تیم عموهای فیتله‌ای مایل به همکاری با رادیو قرآن و شبکه‌های تلویزیونی در زمینه ساخت برنامه‌های دینی است. جدای از این، خود هم دوست دارم مفتاح‌الحیات را با همین اسم برای بچه‌ها کار کنم و در باقیمانده عمر کاری ارائه کنم که تأثیر گذار و ثمربخش باشد و امیدوارم این همکاری دست دهد.

امید می‌رود رادیو قرآن با تجربه سی ساله‌ای که در زمینه برنامه‌سازی دینی به دست آورده، بتواند در ساعات مختلف شبانه‌روز از رادیو قرآن برنامه‌های ویژه‌ای برای گروه کودک و نوجوان ارائه دهد.



گفت‌وگو با محمد حسین محمد زاده مدیر رادیو قرآن

مخاطب، سرمایه اصلی رادیو قرآن است

سیمای پویا

۳۰ سال گذشت؛ امسال در حالی جشن سی سالگی رادیو قرآن در روز ۲۲ بهمن ماه جشن گرفته می‌شود که رادیو قرآن تنها رسانه‌ی شنیداری فارسی زبان در حوزه قرآن کریم در دنیا است. رادیو قرآن با اطلاع‌رسانی، آموزش همگانی در سطوح مبتدی و پیشرفته سهیم بسزایی در ارتقای کیفی قرآن طی سالیان گذشته داشته است. به همین بهانه، در آستانه دهه چهارم فعالیت رادیو قرآن با محمد حسین محمدزاده مدیر رادیو قرآن گفت‌وگو کرده‌ایم.

مبنای برنامه‌سازی در رادیو قرآن چیست؟

نیاز، مصلحت و خواست مخاطب سه راس مثلث برنامه‌سازی در رادیو قرآن است و اضلاع این مثلث

مخاطبان یعنی سرمایه اصلی رادیو قرآن هستند. رویکرد و اصول کلی برنامه‌سازی توجه به محوریت قرآن است بر همین اساس می‌کوشیم برنامه‌های رادیو قرآن در قالب و ساختاری ارائه شود که جذاب، دلنشین، زیبا و گویا باشد. خداوند خالق زیبایی‌هاست؛ یکی از این زیبایی‌ها تلاوت زیبای قرآن کریم است و رادیو قرآن همواره می‌کوشد مروج و ترویج دهنده تلاوت زیبا باشد.

چه هدفی از ترویج تلاوت زیبا در این شبکه رادیویی دارید؟

رادیو قرآن خود را خادم تقلین می‌داند، پس باید از هنر اسلامی تلاوت به طرق گوناگون حفاظت و صیانت کند. تلاوت برای رادیو قرآن از آنجا که فطرت انسان را آماده تزکیه و تعلیم می‌کند، موضوع مهمی است، زیرا معتقدیم تلاوت زیبا بستر ساز تزکیه است. قرآن با اعجاز موسیقایی خود در قلب‌ها و جان‌ها نفوذ می‌کند و گرایش انسان‌ها به

سه برنامه شاخص رادیو قرآن



بهره‌ای از کلام بزرگان

میان برنامه بهره‌ای از کلام بزرگان، برنامه کوتاه پنج دقیقه‌ای است که پنج دقیقه مانده به راس هر ساعت از رادیو قرآن پخش می‌شود و مخاطبان این شبکه رادیویی، از این میان برنامه، یک پیام درباره سبک زندگی اسلامی، اصول اخلاقی و قرآنی مخاطبان رادیو قرآن دریافت می‌کنند. بهره‌ای از کلام بزرگان، کاری از گروه قرآن و آموزش رادیو قرآن که است و علی سلمان طاهری، مدیر این گروه هدف از ارائه این میان‌برنامه را برداشت درست معنایی از موضوعات اخلاقی و عقیدتی برگرفته از آیات نورانی قرآن و کلام نافذ بزرگان دین و علما می‌داند. موضوعات این میان‌برنامه شامل قرآن، تفسیر، معارف، اخلاق، دعا، نماز، معاد، دوری از گناه، فروع دین، خانواده و سخن معصومین است.

افق

برنامه افق، کاری از گروه اطلاع‌رسانی رادیو قرآن است که هر هفته روزهای شنبه از ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه به مدت یک ساعت به طور زنده از رادیو قرآن پخش می‌شود. عوامل برنامه می‌گویند کلمه افق از سه حرف اول «آینده فعالیت‌های قرآنی» گرفته شده است. فاطمه رحمانی، تهیه‌کننده و سردبیر برنامه افق می‌گوید: در برنامه افق وضع موجود جامعه قرآنی کشور، فعالیت‌های گذشته و کارهای در دست اقدام بررسی

موسیقی و لحن خوش، امری فطری است. پس چه بهتر که این گرایش با عمیق‌ترین گزاره‌های معنوی یعنی قرآن عجین شود. با تولد هر انسان، قرآنی نیز با او متولد می‌شود، زیرا آموزه‌های آن فطری است. پروردگار، معلم اول انسان است، خداوند در «عهد الست» قرآن را به انسان آموخت و در سوره «الرحمن»، قرآن کریم بیان خداوند معرفی شده است و یکی از راه‌های جلوه‌گری بیان الهی، استفاده از هنر موسیقی و تلاوت زیباست. تلاوت زیبا شاه کلیدی برای ورود به دنیای رمز و راز قرآن کریم همچنین مقدمه‌ای برای درک صحیح قرآن و رسیدن به مقاصد برتر قرآنی است، چون توجه به معنی زمینه‌ساز عملکرد افراد می‌شود.

رادیو قرآن در جهت ترغیب اقشار مختلف جامعه نسبت به آموختن قرائت، آشنایی با هنر زیبای تلاوت و حفظ آیات الهی قرآن کریم تلاش مستمر می‌کند تا ضمن گام برداشتن در خصوص رسالت خود، برنامه‌های این شبکه رادیویی نیز جذاب و مورد پسند مخاطبان باشد.

مهم‌ترین دستاورد رادیو قرآن در دهه سوم چیست؟

رادیو تلاوت فرزند اول رادیو قرآن و مهم‌ترین دستاورد آن است. به دلیل خواست و نیاز مخاطبان و عمل به یکی از اصیل‌ترین هنرهای اسلامی که هنر تلاوت است، رادیو تلاوت تأسیس شد. خیلی از جوانان برای پیدا کردن سبک تلاوت و گرویدن به دایره قاریان قرآن کریم به‌عنوان کسانی که می‌توانند پاسدار این هنر باشند، احتیاج به فضایی خاص و تخصصی داشتند و به همین دلیل رادیو تلاوت راه‌اندازی شد.

چه برنامه‌هایی برای دهه چهارم دارید؟

سه کانال جدید رادیویی که فرزندان دیگر رادیو قرآن هستند به نام رادیو تفسیر، رادیو آموزش و رادیو ترتیل بزودی تأسیس می‌شود. همچنین در دهه چهارم فعالیت رادیو قرآن تلاش می‌کنیم از فضای مجازی بیشتر استفاده کنیم و در شبکه‌های اجتماعی حضور پررنگی داشته باشیم.

رادیو قرآن با تأکید بزرگان در پرداختن به محور خانواده، دانش‌افزایی مخاطبان در حوزه علوم قرآنی و با هدف غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان سعی می‌کند برنامه‌های متنوع‌تری در دهه چهارم ارائه کند. در واقع تلاش می‌کنیم زیبایی‌اندیشی را با توجه به آیات قرآن در جامعه اسلامی بسط و گسترش دهیم تا روح زیبایی‌یابی و آرامش معنوی از طریق آیات نورانی قرآن کریم در جامعه حکمفرما شود و با قرآن به زیباندیشی برسیم. همچنین تصمیم داریم بسته‌های رادیویی را در اختیار کشورهای جهان بگذاریم تا از طریق زبان‌های بین‌المللی، آموزش قرآن برای همه امکان‌پذیر و فراگیر شود.

پخش می‌شود. نور باران از اواسط بهمن سال ۱۳۹۰ روی آنتن رفته است. مسعود رضا خاکی، تهیه‌کننده و سردبیر این برنامه می‌گوید: رادیو قرآن جزو اولین نهادی است که طرح تربیت ده میلیون نفر حافظ قرآن کریم را در برنامه کاری خود قرار داد که خوشبختانه از آن سال تاکنون رادیو قرآن با تعامل و مشارکت بیش از پیش شنوندگان خود توانسته در نیل به این هدف، گام‌های موثری در جامعه بردارد.

می‌شود و راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از مشکلات موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نور باران

این برنامه که در گروه آموزش رادیو قرآن ساخته می‌شود، هر هفته روزهای زوج از ساعت ۱۶ و ۱۵ دقیقه به مدت یک ساعت به صورت زنده از این شبکه رادیویی

اولین تهیه کننده و سردبیر رادیو قرآن:

۳۰ سال پیش به آرزویم رسیدم



میشم اعلایی

همکاری شما با رادیو قرآن چطور آغاز شد؟

راه اندازی رادیو قرآن و پخش تلاوت آیات الهی از رادیو از آرزوهای قدیمی من بود. سال ۶۲ بود که روزی صدرزاده - که اولین مدیر رادیو قرآن و از دوستان قدیمی ام بود - تماس گرفت و گفت به آرزویت رسیدی و بزودی رادیو قرآن تأسیس می شود. از این خبر خوشحال شدم و سریع نزد صدرزاده رفتم، درباره ایجاد رادیو قرآن

محمد حاجی عابدینی اولین تهیه کننده، سردبیر، نویسنده و مجری رادیو قرآن است و از بدو تأسیس رادیو قرآن در سال ۱۳۶۲ با این شبکه رادیویی همکاری کرده است. با او در سالگرد تأسیس، رادیو قرآن گفت و گو کرده ایم.

فروغ طاهری از مجریان رادیو قرآن:

باید به داشته های مخاطب اضافه کرد

سیمنا نعمتی

فروغ طاهری، کارشناس ارشد الهیات گرایش علوم قرآنی و حدیث از مجریان رادیو قرآن است که از سال ۷۷ با این شبکه همکاری می کند. با او گفت و گویی کوتاه درباره فعالیت هایش انجام داده ایم که می خوانید.

همکاری شما با رادیو قرآن چگونه شروع شد؟

سال ۱۳۷۷ برای شرکت در مسابقه ای به رادیو قرآن دعوت شدم، رتبه اول ترتیل را در بخش حفظ جزءهایی از قرآن کسب کردم. عوامل برنامه سپس از من تست بداهه گویی گرفتند و گفتند چند روز دیگر برای دادن تست صدا به رادیو قرآن بروم. بعد از چند ماه خودم مجری همان برنامه شدم که اولین روز کاری من نوزدهم آبان ۱۳۷۷ مصادف با چهارم شعبان، میلاد حضرت ابوالفضل (ع) بود. از آن به بعد مجری رسمی رادیو قرآن شدم.

الان چه برنامه ای اجرا می کنید؟

روزهای دوشنبه ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه صبح برنامه زنده قرآن و زندگی را اجرا می کنم. این برنامه کاری از گروه قرآن و اندیشه رادیو قرآن است که از نیمه دی ماه امسال پخش آن شروع شده است. محتوای برنامه در برگیرنده بحث های توحیدی است. همچنین طراح سوال برنامه زنده بشری که عصر روزهای یکشنبه و سه شنبه از رادیو قرآن پخش می شود هستیم. ماه مبارک رمضان سال گذشته به عنوان نویسنده و طراح سوال از

صحبت کردیم و از همان روز، به تمام فکر و زندگی من بدل شد.

اولین برنامه ای که ساختید چه بود؟

ابتدای تأسیس، رادیو قرآن روزانه سه ساعت برنامه داشت که شامل تلاوت آیات نورانی قرآن کریم بود. از روز بیست و پنجم بهمن ۶۲ اولین برنامه رادیو قرآن به نام مسابقه به سوی قرآن روی آنتن رفت و نویسندگی، طراحی سوال، تهیه کنندگی و اجرای برنامه همگی به عهده خودم بود. ۳۵ برنامه ساختیم، سپس یکی از دوستان با ساختار برنامه آشنا شد و کار را به او تحویل دادم. زیرا به ساخت برنامه دیگری می اندیشیدم. در برنامه جدید با خانواده شهدای قاریان قرآن مصاحبه می کردم. برنامه دیگری به نام دانستنی های قرآن ساختیم و در این برنامه محتوای مجموعه سه جلدی کتاب تاریخ قرآن به فایل شنیداری تبدیل شد و خیلی مورد توجه مردم قرار گرفت.

الان چه برنامه هایی در رادیو قرآن دارید؟

هم اکنون کار اصلی من انتخاب تلاوت های رادیو قرآن برای پخش راس هر ساعت است. کل تلاوت های رادیو قرآن خارج از سیستم برنامه سازی انتخاب و در جدول پخش رادیو قرآن تنظیم و آماده پخش می شود.

برای کسانی که تازه می خواهند وارد حیطه

برنامه سازی قرآنی شوند چه صحبتی دارید؟

کسی که می خواهد وارد دستگاه قرآنی بشود خودش ابتدا باید قرآنی باشد. خلق و خوی قرآنی داشته باشد، تابع دستورات خداوند، قرآن و ائمه معصومین باشد و طبق دستورات الهی به فعالیت قرآنی بپردازد. اگر چنین شود خداوند و قرآن او را یاری می کند و موفق می شود.



سوی معاونت صدا انتخاب شدم.

از چه شیوه ای برای پاسخگویی بهتر به مخاطبان

رادیو قرآن استفاده می کنید؟

باید بتوانیم به داشته های مخاطب در زمینه های مختلف اضافه کنیم. از آنجا که رادیو قرآن آگهی بازرگانی و موسیقی ندارد، در بعضی از مواقع فاصله های کوتاه دو سه دقیقه ای بین برنامه ها داریم و سعی می کنم با اطلاعات به روزی وارد استودیو شوم تا بتوانم در همین زمان ها هم اطلاع رسانی مفیدی در حیطه علوم قرآنی و موضوعات مرتبط با آن داشته باشم. شناخت بزرگان علوم دینی از راهکارهایی است که سبب می شود

اطلاعات مفیدی به مخاطبان انتقال یابد.

۱۵ سال فعالیت در رادیو قرآن چه حسی دارد؟

شاکر و سپاسگزار خداوند هستم. این جمله را صادقانه می گویم وقتی وارد استودیو می شوم، به وجد می آیم و وقتی پس از هشت ساعت کار رادیو را ترک می کنم، دلنگ می شوم، زیرا فضای کاری رادیو قرآن خیلی مطلوب است که بخشی از آن به مدیریت شبکه رادیو قرآن و مدیر گروه ها مربوط می شود و بخش دیگر ناشی از صمیمیت و دوستی همکاران است. همچنین ارتباط متقابل مخاطبان فهمیم رادیو قرآن با عوامل برنامه نیز خیلی تاثیر گذار است.

رادیو قرآن در یک نگاه

مهران رهبر حقیقت

مدیر روابط عمومی رادیو قرآن

سه دهه از فعالیت شبکه رادیویی قرآن می گذرد. رادیو قرآن رسانه ای شنیداری و تخصصی است که با محوریت قرآن برای مخاطبان این شبکه رادیویی در زمینه های مختلف قرآنی به صورت ۲۴ ساعته برنامه پخش می کند. این شبکه رادیویی به پیشنهاد رهبر معظم انقلاب (رئیس جمهور وقت) تأسیس و در ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ با تلاوت سوره حمد توسط ایشان فعالیت خود را آغاز کرد.

ابتدا رادیو قرآن با پخش روزانه سه ساعت برنامه شروع به کار کرد، سپس از فروردین سال ۶۳ فعالیت آن به روزی شش ساعت افزایش یافت تا این که در آذرماه سال ۷۶ همزمان با مبعث رسول اکرم، مدت زمان پخش برنامه های رادیو قرآن روزانه ۱۶ ساعت شد. سال ۷۶ سال شکوفایی و تحول رادیو قرآن است؛ زیرا در روز چهارشنبه دهم دی ماه همین سال که مطابق با اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴۱۸ هجری قمری است، فعالیت رادیو قرآن ۲۴ ساعته شد. از آن زمان تاکنون با عنوان شبکه سراسری قرآن به پخش برنامه های تولیدی و زنده روی موج اف.ام.ردیف ۱۰۰ مگاهرتز اقدام می کند.

در طول سالیان متمادی، فعالیت این شبکه رادیویی در فضای رسانه ای کشور، با وجود افت و خیزهای فراوان و تغییرات چشمگیر، با ارائه برنامه های مختلف همراه بوده است تا جایی که هم اکنون رادیو قرآن توانسته به عنوان تنها رسانه قرآنی فارسی زبان، جایگاه خاصی میان مخاطبان داخل و خارج کشور (کشورهای فارسی زبان) کسب کند.

این شبکه، به عنوان برترین شبکه از نظر میزان رضایتمندی مخاطبان و سومین شبکه از نظر میزان شنوندگان در بین شبکه های رادیویی شناخته شده و این آمار طبق آخرین نظرسنجی های مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما که در دی ماه سال ۱۳۸۸ صورت گرفته، به دست آمده است.

رادیو قرآن، فرصتی برای انس بیشتر با قرآن است. برای رسیدن به اهداف این شعار با توجه به کلام وحی مخاطبان رادیو قرآن به دو گروه عام و خاص تقسیم می شوند. مأموریت رادیو قرآن، تولید و پخش برنامه های رادیویی با بهره گیری از هنر فاخر تلاوت قرآن کریم، سمت دهی موثر و کارآمد موضوعات قرآنی در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی برای همه گروه های سنی بویژه خانواده ها و اقشار فرهنگی جامعه در سراسر کشور تهیه و پخش می شود.

ترویج، معرفی، تبلیغ و اشاعه فرهنگ قرآنی همچنین تقویت و تعمیق انس با قرآن کریم در جامعه اسلامی ایران در چارچوب اصول و سیاست های مصوب سازمان صداوسیما صورت می گیرد. اهداف رادیو قرآن دستیابی به جایگاه برترین رسانه شنیداری در زمینه گسترش و ترویج فرهنگ قرآنی، حفظ مخاطب فعلی و جذب مخاطب جدید، ایجاد تقویت و تثبیت باورهای قرآنی در مخاطبان و مانوس نمودن آنها با قرآن کریم، آشنا کردن مخاطبان با فنون تلاوت قرآن، علوم و معارف قرآنی، ترجمه و تفسیر آیات همچنین تجسم عینی و عملی قرآن در زندگی مخاطبان (سبک زندگی اسلامی و قرآنی) انعکاس شور و شعور قرآنی در داخل و خارج از کشور است، ضمن آن که برپایی جشنواره های قرآنی، حضور در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در راستای مشارکت بیشتر مخاطبان با رادیو قرآن صورت گرفته و نتایج خوبی به همراه داشته است.

روایت یک درام اجتماعی در بستر تاریخی

درباره سریال «سرزمین کهن»



مجموعه تلویزیونی «سرزمین کهن» به کارگردانی کمال تبریزی و تهیه‌کنندگی محمد مسعود - که پخش آن با وجود اطلاع‌رسانی‌های سیما هفته‌ها به تعویق افتاده بود - بالاخره از پنجشنبه سوم بهمن ۹۲ از شبکه سه روی آنتن رفت. این مجموعه که در ۴۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای برای این شبکه تولید شده است، پنجشنبه‌ها ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه پخش و جمعه ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه از همین شبکه تکرار می‌شود. سرزمین کهن به بررسی وقایع تاریخی، سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۱۳۲۰ به بعد می‌پردازد و می‌توان گفت اولین فیلمی است که درباره زندگی «توده» و شرایط آنها در آن برهه زمانی ساخته شده است. میترا حجار، ثریا قاسمی، بیتا فرهی، پرویز پورحسینی، هنگامه قاضیانی، شهاب حسینی، نیکی کریمی، حسن پورشیرازی، جعفر دهقان، فرهاد قائمیان، امیر آقایی، الهام حمیدی و پژمان بازغی بازیگرانی هستند که در آن ایفای نقش می‌کنند.

داستان این فیلم با زندگی رهی اردکانی، پسرچیه یک توده‌ای به نام جواد اردکانی آغاز می‌شود که پس از بمباران دهکده‌ای توسط نیروهای متفقین، از زیر آوار بیرون کشیده و پس از چند روز مراقبت از سوی مادرش راهی تهران می‌شود. سال‌ها بعد او در یک خانواده توده‌ای بزرگ می‌شود، اما به وسیله یکی از همشاهگردی‌هایش و بر اثر وقوع ماجراهایی او را به خانواده درباری می‌سپارند. در این خانواده است که او رفته‌رفته به هویت خود پی می‌برد و همین باعث می‌شود به یک خانواده دیگر که صیغه مذهبی دارند، سپرده شود و در ادامه ماجراهای دیگری برای او و اطرافیانش پیش می‌آید.

این سریال پربازیکر که هم از چهره‌های تلویزیونی و هم از چهره‌های سینمایی استفاده کرده، به قلم علیرضا طالب‌زاده نوشته شده است و قصه آن در سه فاز زمانی روایت می‌شود که خط ربط همه آنها شخصیت رهی است. طالب‌زاده بدرستی دریافته است که یکی از بهترین راه‌های ارتباطی میان این سه برهه، حضور شخصیت ثابتی است که از طریق او آدم‌های اطرافش را با هر نوع گرایش سیاسی و اعتقادی به تصویر بکشد. او زیر کانه از طریق این کاراکتر و پرداختن به او به عنوان سوژه اصلی، قصه و شرایط و بستر تاریخی را در اطراف سوژه نمایش می‌دهد. نویسنده با انتخاب رهی با پیش‌داستانی مبنی بر کاذب بودن هویت اصلی او به دو نتیجه مهم دست یافته است؛ اول این که برای بررسی هر کدام از فرقه‌ها و گروهک‌های موجود در آن برهه تاریخی، باید به راهی بیندیشد که مستقیم سراغ اصل مطلب نرود و تأثیری را که بر حوادث و وقایع آن زمان داشته‌اند در لافاه مطرح کند. دوم این که اگر رهی فرزند واقعی جواد اردکانی بود، نمی‌توانست دیگر گروه‌ها را از طریق او نشان دهد، زیرا رهی به عنوان یک کودک محصل به چنین محافظی راه نمی‌یافت و نویسنده مجبور می‌شد جواد اردکانی را پررنگ‌تر و دیگران را از طریق او دنبال کند که مسلماً خطای بالا یعنی مستقیم‌گویی رخ می‌داد، اما با ترفندی که طالب‌زاده اندیشیده است، رهی ابتدا از یک خانواده توده‌ای به خانواده‌ای اشرافی و پس از آن به یک خانواده مذهبی منتقل می‌شود و در مسیر این انتقال‌ها بیننده با مسائلی که اطراف آنهاست یا مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، آشنایی می‌شود.

مستقیم‌گویی در بسیاری از فیلم‌هایی از این دست به صورت دیگری نیز اتفاق می‌افتد. در بیشتر فیلم‌هایی که قرار است برهه‌ای از تاریخ را به تصویر بکشد، نویسنده با مرکزیت یک حادثه تاریخی و مصائبی که انسان‌های تاریخ‌ساز با آن دست به گریبانند و نتیجه به دست آمده از آن، فیلمنامه را می‌نویسد و تاریخ گرچه ممکن است در بطن خود داستان‌ساز باشد، اما این داستان‌ها لزوماً دراماتیک نیست و جذابیت نمایشی ندارد. طالب‌زاده باز هم هوشمندانه از طریق رهی از این خطر جسته و درامی اجتماعی خلق کرده که در یک بستر تاریخی خاص رخ داده است. بیننده با دیدن سرزمین کهن، سرنوشت رهی را دنبال می‌کند و بدون این که چیزی به او تحمیل شود، بستر تاریخی آن زمان را درک می‌کند، با آن همراه می‌شود و این درست همان کارکردی است که یک درام نمایشی در هر مدیوم باید داشته باشد.

سومین حسن فیلمنامه سرزمین کهن نیز زبان است. در بیشتر سریال‌های اینچینی از زبان مکتوبی استفاده می‌شود که در رایج بودن آن میان مردم عامه جای بسی شک و شبهه است و از طرفی به دلیل ثقیل و ناملموس بودن کمتر مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد و در برخی موارد حتی بیننده آن را پس می‌زند. طالب‌زاده نیز از زبان رایج البته با کسر لغت‌ها و ترکیب‌های درست و غلطی که اکنون به زبان فارسی معاصر اضافه شده، استفاده می‌کند که حتی اگر به واقع زبان مردم آن زمان نبوده باشد برای بیننده این زمان ملموس و دور از تکلف و تصنع به نظر برسد. البته صراحت و استفاده از تمام قابلیت‌های مثبت و منفی - از جمله دشنام - زبان را به صورت موجودی جاندار در اثر نمایان می‌کند که

البته به دلیل خط قرمزهای صدا و سیما برای برخی نویسندگان و کارگردان‌ها امکان چنین استفاده وسیعی از زبان وجود ندارد. کارگردانی سرزمین کهن که با متن بسیار همخوان و همگن است، از رابطه درست و انتخاب آگاهانه این دو در جوار یکدیگر نشان دارد. این فیلم که لوکیشن‌های بسیاری هم دارد، در انتخاب آنها به انطباق معماری آن برهه توجه کاملی داشته است و بیشتر در اصلاح رنگ و نور آنها سعی کرده قدمت را نشان دهد، آن هم نه با فیلترهای قهوه‌ای و راش‌های سیاه و سفید که بسیاری از فیلمسازان به آن گرایش دارند. این فیلترها فیلم را بسیار تاریک و خاک گرفته نشان می‌دهد و از تنوع رنگی و جذابیت بصری کمتری بهره می‌برد. اصلاح رنگ در حد استفاده از راش‌های رنگی بسیار ضعیف سبز و قهوه‌ای است که هم کمی زمان را به عقب می‌برد و هم شفافیت و طراوت تصویر را حفظ می‌کند. در طراحی لباس نیز از لباس‌های کهنه و رنگ و رو رفته خبری نیست. فقر خانواده اردکانی با لباس‌های کثیف و بدرنگ معلوم نمی‌شود، بلکه در جنس و دوخت و سادگی طراحی آن قابل مشاهده است. چراکه در آثار هنری حتی برای متکدیان و درباریان باید از کیفیتی و پارگی برآمده از زیبایی‌شناسی رنگ و طرح استفاده کرد و نه از شلختگی‌های واقعی، وگرنه طراحی لباس معنای خود را از دست می‌دهد.

در سرزمین کهن، همه بازیگران در حد و اندازه‌های واقعی خود ظاهر شده‌اند و بازی آنها گذشته از توانایی و تجربه‌های شخصی، تا حد زیادی مدیون بازیگردانی و تحلیل دقیق کارگردان از نقش‌ها و روابط آنهاست. این مساله را بیشتر در بازیگران کودک و نوجوان فیلم که عموماً بدون تجربه هستند بهتر می‌توان ارزیابی کرد. همه هنرمندان و علاقه‌مندان پیگیر هنر خوب می‌دانند کار کردن با ماده خام اولیه که کیفیت نسبی

دارد به هنر هنرمند بستگی دارد. بازیگران خردسال نیز همین مواد خام هستند که اگر درست و هنرمندانه از آنها استفاده نشود، می‌تواند نتیجه نامطلوبی برای هنرمند رقم یزند، اما در این مجموعه که مرحله اول آن کودکی رهی را در بر می‌گیرد و همسالان و همکلاسی‌های او را نیز، این کودکان بازیگر آنقدر در ایفای نقش خود و نزدیکی به حس و حال و شرایطشان خوب و درست عمل می‌کنند و در عین حال دوست‌داشتنی به نظر می‌رسند که بر توانمندی بازیگردانی کارگردان صحنه می‌گذارند. همچنین توجه کارگردان به خرده روابط و مناسباتی که میان کودکان رایج است، از جمله کری‌هایی که برای هم می‌خوانند، رعب و وحشت‌هایی که برای هم ایجاد می‌کنند، سادگی و دلبستگی آنها به چیزهای کوچک که می‌توان از طریق آن به چیزی ترغیب‌شان یا آنها را از چیزی بازداشت، ترس از دزدیده شدن لوازم تحریر در زنگ تفریح و... دست به دست هم داده تا در مجموع بازی و روابط جاندار را از آنها شاهد باشیم.

در تصویربرداری فیلم نیز جز به الزام فضا، کمتر از قاب ثابت‌هایی که در این دست مجموعه‌ها رایج است، استفاده کرده و تا حد امکان خود را با فضای کلی حسی و تکنیکی فیلم همگام کرده است.

موسیقی متن و تیتراژ سرزمین کهن نیز با تلفیقی از سازهای ایرانی و جهانی به حس و حال انواع موقعیت‌های موجود در فیلم اعم از فانتزی، کمیک، ملودرام و حماسی کمک شایانی کرده و از تنوع معقولی برخوردار است و بزرگ‌ترین حسن آن استقلالی است که می‌توان برای آن جدای از فضای اثر متصور بود. و اما گریم نقش‌ها به گونه‌ای است که نه در تیپ و شخصیت کسی اغراق شود و نه به استفاده از فوم جهت رفل‌ه اکتفا کند. برخی کاراکترها هم به گونه‌ای گریم شده‌اند که مشابه یا یادآور شخصیت‌های حقیقی هستند. از جمله گریم امیر آقایی در نقش جواد اردکانی توده‌ای که چهره او را کاملاً شبیه صمد بهرنگی کرده است.



استعدادهای جدید سینما از تلویزیون می آیند

برخی کارگردانان تلویزیونی با اولین فیلم سینمایی خود در جشنواره فیلم فجر حضور دارند

مریم احمدی

فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی این که از دو رسانه مختلف تبعیت می‌کنند، به واسطه برخورداری از کارکردهای مشابه سرگرم‌سازی در حیطه هنر نمایش و قصه‌پردازی، مشترکات بسیاری دارند و از سوی دیگر، فیلمسازان این دو مدیوم بارها جذب این دو رسانه شده‌اند. شاید تحلیل این که چرا برخی فرمول‌های امتحان‌پس‌داده سینمایی در تلویزیون جواب نمی‌دهد یا برعکس به عوامل مختلفی بستگی داشته باشد، اما همیشه یک کارگردان موفق تلویزیونی در سینما موفق نبوده و عکس آن نیز صدق کند.

برخی کارگردانان فعالیت خود را با ساخت سریال‌های تلویزیونی شروع کردند، اما بعدها به سینما روی آوردند. برگزاری سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر و حضور کارگردانان نام‌آشنا و موفق تلویزیون با یک اثر سینمایی در این رویداد هنری سبب شد با فعالان هنر هفتم که دو مدیوم سینما و تلویزیون را توأمان تجربه کرده‌اند به گفت‌وگو بنشینیم؛ این که حضور در مدیوم تلویزیون و تجربه‌اندوزی در این عرصه می‌تواند به موفقیت فیلمسازان در عرصه سینما یاری رساند و چرا گاهی شاهد موفق نبودن کارگردان‌های آزمون‌پس‌داده سینمایی در تلویزیون هستیم.

مجیدرضا مصطفوی که امسال به‌عنوان کارگردان فیلم اولی با فیلم سینمایی «انارهای نارس» در جشنواره فیلم فجر حضور دارد، پیش از این، آثاری مانند «دیوار آجری» را تولید کرده و تدوین سریال‌ها و فیلم‌هایی مانند «بهشت بهار»، «طعم سیب کال» و «دوازده روز» را به عهده داشته است. مصطفوی با بیان این که امکان موفقیت در سینما برای کارگردان‌هایی که از مدیوم تلویزیون شروع به کار کرده‌اند بیشتر است، می‌گوید: این مساله از یک قانون کلی پیروی نمی‌کند. من تله‌فیلم‌ها و آثار «ویژه الف» متعددی را در رسانه ملی تدوین کرده‌ام، به همین دلیل با ابزار تلویزیون آشنا هستم. هرچند رسانه ملی با بحران مالی روبه‌رو شده، اما این بحرانی است که در تمام سطح جامعه دیده می‌شود و تلویزیون هم به‌عنوان سازمانی که کالای فرهنگی تولید می‌کند از این مساله مستثنا نیست.

او به تولید چند تله‌فیلم در تلویزیون اشاره می‌کند و می‌گوید: معتقدم مدیوم تلویزیون می‌تواند عرصه مناسبی برای تجربه‌اندوزی باشد و کارگردان‌ها امکان آزمون و خطا دارند و می‌توانند سوژه‌هایی را که ذهنشان را

قدم گذاشتن به سینما پس از تلویزیون

امسال هم در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر کارگردان‌هایی که کار خود را از تلویزیون آغاز کرده‌اند، حضور فعال دارند. امسال جمشید محمودی - که فیلم چندمتر مکعب عشق را در بخش مسابقه و بخش نگاه نو سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر دارد - از جمله کارگردانانی است که در سال‌های گذشته چند فیلم تلویزیونی مانند می‌تونه آخرش باشه، کور گره و چهارحرفی را ساخته است.

سیدجلال دهقانی‌اشکذری که در بخش نگاه نو با فیلم خانهای کنار ابرها حاضر است، پیش‌تر فیلم‌های تلویزیونی؛ هدیه‌ای برای آسمان و دویدن برای پشیمانی را ساخته است.

فیلم سینمایی ناخواسته به کارگردانی برزو نیک‌نژاد از دیگر فیلم‌های جشنواره امسال است. نیک‌نژاد به‌عنوان دستیار با کارگردان‌های تلویزیونی کار کرده و نگارش چند سریال را در کارنامه دارد.

ایمان افشاریان هم که با کارگردانی مشترک فیلم فردا در بخش نگاه‌نو جشنواره حضور دارد، پیش از این چند فیلم تلویزیونی مانند شانزده، اینجا پرنده بود و مار و پله را ساخته است.

مجیدرضا مصطفوی هم که با انارهای نارس در جشنواره فیلم فجر حضور دارد، پیش از این تله‌فیلم‌هایی چون دیوار آجری را برای تلویزیون ساخته و تدوین کارهای تلویزیونی را هم عهده‌دار بوده است.

اما منوچهر هادی که امسال با چهارمین فیلم بلند سینمایی‌اش با نام «زندگی جای دیگری است» در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر حضور دارد، کار خود را با ساخت فیلم‌های تلویزیونی آخرین روز ماه، تصادف، فرصت‌های فردا و کوچه محبوب آغاز کرده است.

به خود مشغول کرده تجربه کنند تا به سطح سینما برسند.

مصطفوی با تأکید بر این که تجربه‌اندوزی در تلویزیون دیدگاه‌های متفاوتی را به دنبال دارد، تصریح می‌کند: به یقین باید برای فعالیت در تلویزیون و ساخت فیلم، استانداردهای اولیه رعایت شود و نسبت به آنها آگاهی و تسلط داشت. فیلمسازان باید تجربه‌های اولیه خود را از عرصه سینمای کوتاه آغاز کنند و در ادامه به تلویزیون و سینما برسند.

او با بیان این که تجربه‌اندوزی فیلمسازان در کانال‌های تلویزیون اتفاقی است که در رسانه‌های خارجی نیز رخ می‌دهد، می‌گوید: شبکه‌های حرفه‌ای دنیا نیز فرصت کسب تجربه را به فیلمسازان خود می‌دهند و این به معنای رفتار سطحی با مخاطب تلویزیون نیست.

مصطفوی با تأکید بر این که بارها شاهد حضور بزرگان سینما در تلویزیون بوده‌ایم، اضافه می‌کند: به نظرم بهتر است پس از پشت سر گذاشتن مرحله تجربه‌اندوزی، مولف و کارگردان‌ها تکلیفشان را با خود مشخص کنند. ما به‌عنوان فیلمساز باید بدانیم می‌خواهیم در تلویزیون کار کنیم یا در سینما.

او در این باره ادامه می‌دهد: من این دسته‌بندی را برای بازیگران یا دیگر عوامل سینمایی قائل نیستم، اما کارگردان‌ها به‌عنوان کسانی که مغزمتفکر سینما هستند باید این دو مدیوم را از هم منفک کرده و کار در یک عرصه را دنبال کنند.

مصطفوی که معتقد است تفاوت فاحشی میان سینما و تلویزیون نیست، می‌گوید: برخی افراد از طریق مدیوم تلویزیون بهتر می‌توانند مخاطب را با خود همراه کنند و ما کارگردان‌هایی را دیده‌ایم که آثار متعدد آنها در رسانه ملی، مخاطب عام را با خود همراه کرده است، بنابراین چنین فردی برای فعالیت در تلویزیون مناسب است و می‌تواند موفق باشد. این گونه کارگردان‌ها تمام ذهنیات و دغدغه‌هایشان را برای مدیوم تلویزیون طراحی کرده‌اند و البته برعکس این امر نیز صادق است و فیلمسازانی برای عرصه سینما مناسب هستند.

این کارگردان با تأکید بر این که اگر کارگردان‌ها تکلیف خود را با نوع کارشان مشخص کنند، مانع سرمایه‌گذاری‌های اشتباه و هدر رفتن بودجه می‌شوند، می‌گوید: بهتر است تلویزیون و سینما کارگردان‌های متخصص خود را داشته باشند تا سرمایه‌گذارها با اعتماد سراغ آنها بیایند؛ چراکه در این صورت به ویژگی‌ها و شرایط روحی مخاطب تسلط دارند.

همچنین مسعود کرامتی، کارگردان یکی از اپیزودهای فیلم سینمایی «گنجشک اشی‌مشی» در این باره می‌گوید: به هر حال طبیعی است حضور در تلویزیون می‌تواند موجبات موفقیت بیشتر را در سینما فراهم کند. تلویزیون می‌تواند تمرین خوبی برای سینماگران باشد؛ چراکه تولید در این عرصه ارزان و راحت‌تر از سینماست. تلویزیون جایگاه مناسبی برای شناخت تصویر و سناریوست.

او با اشاره به این موضوع که هر کارگردان موفق تلویزیونی الزاما در سینما موفق نخواهد بود و برعکس، ادامه می‌دهد: سینما و تلویزیون با وجود مشترکات بسیاری که دارند دو مدیوم مجزا از یکدیگر محسوب می‌شوند، بنابراین برای موفقیت در هر کدام از این دو باید هوش کافی داشت و تمام زوایای این دو مدیوم را بخوبی شناخت.

کرامتی در این باره ادامه می‌دهد: در سینما پرداختن به جزئیات چندان مرسوم نیست و همه چیز موجز و خلاصه بیان می‌شود. مخاطب در این فضا به گونه‌ای متفاوت از تلویزیون به تماشای آثار تصویری می‌نشیند. فضای کاملاً تاریک و نمایش تصویر روی پرده با فیلم دیدن از طریق تلویزیون متفاوت است. مخاطبان، سریال‌های تلویزیون را در حال زندگی کردن دنبال می‌کنند، اما در سینما گویی بیننده از دنیا منفک شده و تمام توجهش به پرده است.

سینما، زمان را کمتر تلف می‌کند و کمتر نیز حرف می‌زند. در حالی که تلویزیون داستان را بسط و گسترش می‌دهد و با جزئیات به تصویر می‌کشد.

او ادامه می‌دهد: بنابراین با وجود تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان دو مدیوم سینما و تلویزیون، باید هر دو را شناخت تا فیلمسازان در هر دو موفق باشند.

کرامتی با بیان این که آغاز کار حرفه‌ای او از تلویزیون بوده است، می‌گوید: من به صورت پراکنده، هم در تلویزیون فعالیت داشته‌ام و هم در سینما، اما موفقیت و حضورم را در سینما مدیون تلویزیون هستم و همیشه



خانهای کنار ابرها



پشت سر گذاشتن



انارهای نارس

سعی کرده‌ام با اشراف و در نظر گرفتن این تفاوت‌ها و پارامترها در این دو عرصه ظاهر شوم.

پرویز شیخ‌طادی نیز با بیان این که تلویزیون سال‌هاست منبع تغذیه سینما شده می‌گوید: به نظرم تلویزیون در جایگاه تربیت نیروست. ما مدیران، هنرمندان و متخصصان بسیاری داریم که با این رسانه شروع کرده‌اند و در ادامه به سینما رسیده‌اند.

او همچنین می‌افزاید: تبادل نیرو میان دو عرصه سینما و تلویزیون همیشه وجود داشته است. بسیاری از عوامل تلویزیون افرادی هستند که ابتدا از سینما و فیلم کوتاه شروع سپس تلویزیون را برای فعالیت انتخاب کرده‌اند.

شیخ‌طادی در ادامه تأکید می‌کند: کارگردان‌هایی که به تلویزیون به‌عنوان سکوی پرتاب نگاه می‌کنند اصولاً نه در این مدیوم موفق هستند و نه در سینما، اما افرادی که احساس مسئولیت بیشتری دارند به سریال‌ها و فیلم‌هایی تلویزیون خود به‌عنوان اثری هنری نگاه می‌کنند و در هر دو عرصه موفق ظاهر می‌شوند.

او با بیان این که این روزها کیفیت بسیاری از آثار تلویزیونی از فیلم‌های سینمایی بیشتر است، اظهار می‌کند: به مراتب آثار فاخر و با کیفیت بیشتری در تلویزیون نسبت به سینما دیده‌ام.

شیخ‌طادی با اشاره به این موضوع که عموماً کارگردان‌های سینمایی در مجموعه‌سازی موفق ظاهر نمی‌شوند، اضافه می‌کند: سینما را باید حیطه سرعت دانست؛ درواقع سینما کار سرعتی است، اما در تلویزیون باید حوصله به خرج داد و با صبر و حوصله‌ای خاص مراحل سریال‌سازی را به پایان رساند.

او معتقد است: منش سریال‌سازی به مرور و با فرصت دادن به خودمان ایجاد می‌شود، اما فیلم‌های سینمایی زمانی محدود با شتاب زیاد دارند که با مجموعه‌های تلویزیونی با پراکندگی لوکیشن‌ها و گستردگی سوژه‌هایشان بسیار متفاوت است.



تحول در آستانه ۴۰ سالگی

نگاهی به تله فیلم‌های «چهل» و «زمانی برای ایستادن» که از شبکه یک و ۲ سیما پخش شدند

مریم رها

روزهای پنجشنبه و جمعه دهم و یازدهم بهمن ۱۳۹۲ مصادف با دهه فجر، فیلم‌های تلویزیونی‌ای از شبکه‌های مختلف سیما پخش شد، که هر کدام از آنها با سوژه‌ها و ژانرهای مختلف، حال و هوای خاص خود را داشتند.

تله فیلم چهل به کارگردانی سعید جلیلی، جمعه یازده بهمن ساعت ۱۴ و ۵۰ دقیقه از شبکه یک سیما پخش شد. در این فیلم زنی به نام رویا در مراسم تولد چهل سالگی‌اش همه تلاشش را می‌کند تا شوهرش فرهاد که رئیس کارخانه است هم در مراسم حاضر شود، اما بعد از مراسم و رفتن مهمان‌ها این حقیقت هولناک را از زبان همسرش می‌شنود که او به دلیل نداشتن موقعیت اجتماعی و محدود بودن به مسائل خانه و خانواده، در این سال‌ها نتوانسته هیچ کمکی برای بهبود شرایط زندگی بکند و ادامه زندگی آنها کار بیهوده‌ای است. زن که همه اشتیاقش به کار و تحصیل را فدای حفظ و پیشرفت خانواده کرده است، دلشکسته از قدرناشناسی همسر، خانه را ترک می‌کند، اما از پای نمی‌نشیند و تصمیم می‌گیرد زندگی را از سر بگیرد و هر طور شده خودش را به همسرش ثابت و خانواده خود را حفظ کند.

از طرفی پدر فرهاد که عموی رویا و شریک پدر مرحوم اوست، برای کمک به رویا تصمیم می‌گیرد کارخانه را به صاحب واقعی‌اش یعنی رویا برگرداند. رویا سر باز می‌زند، چرا که می‌داند فرهاد تلاش فراوانی برای حفظ و ارتقای کارخانه کرده است، اما وارد کارخانه می‌شود و امور آنجا را به دست می‌گیرد و کم‌کم رابطه‌اش با فرهاد بهبود می‌یابد. در این فیلم فاطمه گودرزی، عبدالرضا اکبری، شهرزاد عبدالمجید، مینا جعفرزاده، زهره صفوی و جلال پیشواییان ایفای نقش کرده‌اند.

ورود به چهل سالگی که یکی از مقاطع حساس سنی و آغاز دوره میانسالی است، عموماً بستری برای تحولات بزرگ بسیاری از انسان‌هاست که رویای چهل ساله نیز از آن مستثنا نیست، اما در

این فیلم، تحول رویا واکنشی به کنش فرهاد است. به عبارتی دیگر، متحول‌شدن رویا و تجدید نظر او درباره مسیر زندگی پیش‌رو، واکنش او به تحولی است که در فرهاد رخ داده و این اولین خطایی است که در روند علت و معلولی فیلم دیده می‌شود. اگر رویا در بدو چهل سالگی به این نتیجه می‌رسید که مسیرش را اشتباه رفته یا روندی که در پیش گرفته بی‌حاصل بوده، یعنی کنش اولیه از آن او بود، نشان دادن مراسم تولد چهل سالگی‌اش در فیلم کارکرد درستی داشت، اما چهل با تولد رویا آغاز می‌شود بی آن که این مهم را مد نظر داشته باشد.

فیلم چهل، مشکل دیگری نیز دارد و آن شیوه آکسان‌گذاری بر علت تغییر و تحول در رویاست. در سکانس بعد از تولد، مکالمه‌ای میان او و فرهاد شکل می‌گیرد که رویا را می‌رنجاند و به فکر فرو می‌برد. این مکالمه تا پایان آن در این سکانس دیده می‌شود. در سکانس بعد، دعوی او با دخترش سارا و احساس قدرناشناسی از طرف او به مورد اول دامن می‌زند و به خروج رویا از خانه منجر می‌شود. رویا در پارک با خود خلوت می‌کند و در این خلوت، همه گفت‌وگوی شب پیش با فرهاد از ذهن او عبور می‌کند که به صورت تریسیتی که روی تصویر رویا پخش می‌شود به اجرا در آمده است؛ یعنی برای آکسان‌گذاری بر شرایط پیش آمده از تکرار استفاده شده است. گرچه این هم روش مرسوم برای آکسان‌گذاری است، اما نه معقول است و نه خلاق و نه پیش‌برنده. در واقع بیننده را برای مدت چند دقیقه در همان نقطه پیشین نگه می‌دارد تا به اصطلاح تامل برانگیز باشد. یکی از راههایی که می‌تواند مانع این رکود شود، حذف بخشی از مکالمه در سکانس قبل و سوار کردن آن بر تصویر سکانس بعدی است؛ یعنی آن چیزی را که از مکالمه پیشین حذف شده، در سکانس خلوت رویا برای اولین بار بشنویم یا روایت ذهنی رویا را از مکالمه او با فرهاد بشنویم، نه خود آن را. طبیعتاً هر حرف و تصویری از دریچه ذهن دیگری، نمودی متفاوت‌تر از آنچه بوده، خواهد داشت.

نکته بعدی در این فیلم، پایان‌بندی ناگهانی آن

است. درست وقتی بیننده به این نتیجه می‌رسد که رویا پیشنهاد عمویش مبنی بر انتقال کارخانه به او را به خاطر فرهاد نمی‌پذیرد، بی‌هیچ مقدمه‌ای در سکانس بعدی می‌بینیم رویا در جلسه هیات مدیره است و کارخانه را اداره می‌کند. این فیلم تلویزیونی یک اشکال فنی دارد و آن هم مربوط به صدابرداری آن است که در برخی صحنه‌های فیلم با چند صدم ثانیه اختلاف، صدا را از تصویر جدا کرده است. از جمله در پلانی که سارا برادرش سعید را به اتاق خود فرامی‌خواند تا درباره مشکلی که بین پدر و مادرشان پیش آمده، از او سوال کند.

زمانی برای ایستادن

فیلم تلویزیونی زمانی برای ایستادن به کارگردانی علی سرآهنگ و تهیه‌کنندگی مشترک مجید اسماعیلی و کامران مجیدی، پنجشنبه دهم بهمن ساعت ۲۱ از شبکه دو سیما روی آنتن رفت. این فیلم با بازی مریم بوبانی، حسین فرضی‌زاده، بهار کاتوزی و حسین لطیفی روایت زندگی لیلاست که پدرش به علت اعتیادی که داشته دچار بیماری لاعلاجی شده و در بستر بیماری به سر می‌برد. مادرش توسط پدر بیمار از خانه رانده‌شده و برای بهبود شرایط در یک شهر بازی کار می‌کند. او که قصد دارد با پسر رئیس‌اش ازدواج کند، از محل کارش در ازای گرفتن حقوق یک سال اخراج می‌شود. او برای تامین مواد مخدر پدرش، خود و معشوق و برادر دوستش را به مخاطره می‌اندازد و...



بیشتر لوکیشن‌های این فیلم در خانه‌ها و کوچه‌های جنوب تهران است و چند سکانسی هم در شهر بازی و خیابان کلانتری دارد.

زمانی برای ایستادن - که روایت کلاسیک خطی ندارد - سعی دارد ماجرا را از منظر سه کاراکتر اصلی پیش ببرد و داستان را نه قصه‌پردازانه که موقعیت محور روایت کند.

اما در این فیلم، روایت دچار مشکل است و در بعضی موارد از دست می‌رود. فیلم در اپیزود اول با گره داستانی آغاز می‌شود یعنی مخالفت رئیس شهر بازی با ازدواج پسرش و لیلا و اخراج او از آنجا. در این اپیزود و در ادامه، لیلا و شرایط خانوادگی او به تصویر کشیده می‌شود تا آنجا که وارد خانه دوستش می‌شود.

در خانه دوستش که شب عروسی اوست، با خانواده او آشنا می‌شویم و در واپسین لحظه برادرش را که روی دیوار مشغول نصب ریسه‌های چراغ است می‌بینیم و این اولین حضور شخصیت دوم فیلم است.

شخصیت دوم در ادامه هنگامی دیده می‌شود که همراه امید، پسر رئیس لیلا برای خرید مواد، شبانه در یکی از کوچه پس کوچه‌های جنوب تهران دزدانه قصد تهیه مواد برای پدر لیلا را دارند و پس از دستگیری آنها توسط پلیس، در حین فرار امید با کاراکتر سوم یعنی او آشنا می‌شویم که فرارش موفقیت‌آمیز است.

بعد لیلا و برادر دوستش که توسط پلیس دستگیر شده‌اند، با پادرمیانی خانواده آزاد می‌شوند و امید در سکانس پایانی نشان داده می‌شود که کنار راه‌آهن می‌رود.

زمان دراماتیک فیلمنامه از یک روز تا فردای آن است و معیار سنجش این زمان، عروسی دوست لیلاست؛ یعنی از روز عروسی تا فردای آن.

همان‌طور که گفته شد، لیلا در این فیلم با شرایط و مشکلاتش معرفی می‌شود، اما دو شخصیت دیگر تنها در موقعیت نشان داده می‌شوند. علت کار امید به دلیل علاقه‌اش به لیلا قابل حدس است، اما علت همراهی او با برادر دوست لیلا اصلاً عنوان نمی‌شود و بخشی از ماجرا در طول فیلم مجهول است. در عوض مراسم عروسی به تفصیل نمایش داده می‌شود بدون این که کارکرد دیگری جز نشان دادن دلشوره مادرانه مریم بوبانی داشته باشد.

در این فیلم، قصه اصلی زیر بستر اولیه و فضا سازی مدفون است. شاید کارگردان قصد دارد داستان اصلی را نه با کنش‌های پرهیجان که در پس فضا سازی و تاثیراتی که بر آن دارد به تصویر بکشد، اما مشکل آنجاست که خط و ربط‌های داستانی را نشان می‌دهد و کنش‌ها و تنش‌ها آنقدر قدرتمند نیستند که بتوانند بر پرده‌ای که بر آنها کشیده شده موجی ایجاد کنند.

همچنین داشتن پایانی باز برای داستانی غیرمنسجم حاصلی جز پراکندگی تعدادی داده‌های اطلاعاتی ندارد.

در واقع این فیلم را نه یک فیلم با روایت مدرن، بلکه یک تجربه ضعیف از فرم‌های هزاران بار آزموده می‌توان به حساب آورد که تنها نشانش از آوانگارد بودن، به‌هم‌ریختن فرم و داستان و هر چیزی است که لازمه این دو است. متأسفانه گاه میان فیلمسازان و هنرمندان تلاش‌ها و سبک‌های فرمالیستی به فرم بازی‌هایی تبدیل می‌شود که نه از ذهن خلاق و توان بالا، بلکه از دانش سطحی و قاعده‌شکنی‌های بی‌پشتوانه نشأت می‌گیرد. نباید نادیده گرفت که هر سبک و فرم جدیدی از روایت و تکنیک حتی از دل ارتقای سبک و فرم پیشین یا از شکستن سبک و فرم اولیه حاصل می‌شود که در هر دو مورد باید به داشته‌های قبلی مجهز و آگاه بود و گر نه محصول نهایی چیزی جز دست و پا زدن‌های بی‌هدف نخواهد بود.



گزارشی از پشت صحنه «راديو کوچولو»

راديو يی برای بچه ها

سعیده موسوی

پله‌های مترو را که بالا می‌آیم شلوغی منطقه بازار و ازدحام جمعیت مرا دربر می‌گیرد. چند قدم آن سوتر ساختمان رادیوست. طبقه دوم استودیو شماره ۲۰ محل ضبط برنامه «راديو کوچولو» شبکه تهران است. بچه‌ها همراه پدر و مادرشان به انتظار نشسته‌اند. با دیدن من دست تکان می‌دهند و دورم حلقه می‌زنند. فکر می‌کنند مجری برنامه هستم. وقتی می‌فهمند خبرنگارم دل‌شان می‌خواهد خودشان را معرفی کنند تا صدایشان را ضبط کنم. ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح است که بچه‌ها وارد استودیو می‌شوند. روی صندلی مقابل میکروفن‌ها می‌نشینند. والدین هم در اتاق فرمان جای می‌گیرند و از پشت شیشه، صحنه را تماشا می‌کنند. مجری با بچه‌ها حال و احوال کرده و دو نکته فنی را به آنها گوشزد می‌کند: بلند و رسا صحبت کنند و پایشان را روی موکت کف زمین نکنند. بعد مجری با بچه‌های توی خانه صحبت می‌کند و به آنها می‌گوید در استودیو تنها نیست و چند مجری کوچک او را همراهی می‌کنند. بچه‌ها، یکی‌یکی خود را معرفی می‌کنند و می‌گویند چه بازی‌هایی را دوست دارند و می‌خواهند در آینده چه کاره شوند. یکی‌شان می‌خواهد بازیگر شود، دیگری شیشه‌گر، آن یکی معلم و دیگری مهندس شیمی و آخری هم ریاضیدان. قسمت بعدی برنامه شعرخوانی است. فرصتی در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد تا شعر مورد علاقه‌شان را بخوانند. برخی شعر و برخی دیگر چند آیه قرآن می‌خوانند و با یک صلوات و سپس دست زدن تشویق می‌شوند. موضوع بحث این قسمت از برنامه، قانون است. مجری در این باره بابچه‌های توی خانه و استودیو صحبت می‌کند. بچه‌ها نظرات کودکانه‌شان را با لحن و بیان مخصوص خودشان می‌گویند. این که در خانه و مدرسه چه قوانینی را باید رعایت کنند. الناز می‌گوید: قانون خانه ما این است که به گاز و چاقو دست نزنم، روی میل‌ها نپریم و شب ساعت ۹ بخوابم تا برای مدرسه آماده شوم. زهرا ادامه می‌دهد: قانون، یعنی در شهرمان زباله نریزم تا آلوده نشود. ساعت نزدیک ۱۱ است. به بچه‌ها زمان کوتاهی برای استراحت داده می‌شود. چند دقیقه بعد مجری با یک کیسه پر از کیک و شیر کاکائو برمی‌گردد. از بچه‌ها پذیرایی می‌کند. بچه‌ها بالا و پایین می‌پرند و از پشت شیشه به والدین‌شان دست تکان می‌دهند و دائم توی میکروفن فوت می‌کنند. گاهی هم جملات خنده‌دار یا بی‌معنی می‌گویند و جیغ می‌زنند، اما نمی‌دانند صدایشان در اتاق فرمان پخش می‌شود. بخش بعدی مشاوره است.

خانم دکتر احمدوند، کارشناس برنامه، پشت خط است و صدایش در استودیو پخش می‌شود. بچه‌ها او را با نام دکتر مهربان می‌شناسند. حالا فرصت دارند با او درد دل کنند و مشکلاتشان را بگویند. بیشتر مشکلات هم مربوط به قهر و آشتی‌های کودکانه و مشق نوشتن می‌شود و این که دوست ندارند ریخت و پاش اتاقشان را جمع کنند. دکتر مهربان با صدایی آرام، اما محکم به بچه‌ها راهکار مشکلات را نشان می‌دهد. در پایان، مجری توصیه‌هایی نیز به شنوندگان برنامه ارائه می‌کند. یک قسمت دیگر از برنامه پایان می‌یابد و خانم مجری به هر یک از بچه‌ها یک هدیه می‌دهد تا با خاطره‌ای خوش برنامه و استودیو را ترک کنند.

مجالى برای خودنمایی بچه‌ها

اکرم محمدی در رشته تئاتر عروسکی تحصیل کرده و سال‌هاست در این زمینه فعالیت می‌کند. از سال ۸۴ نیز همکاری‌اش را با رادیو آغاز کرده و در برنامه‌هایی مانند وصله‌پینه و پارازیت به عنوان نویسنده و بازیگر رادیویی حضور داشته است. از او که تهیه‌کنندگی، سردبیری و اجرای رادیو کوچولو با نام متین جون را به عهده دارد، می‌پرسم رادیو کوچولو چطور شکل گرفت؟ می‌گوید: روز شانزدهم آذر سال ۸۶ به مناسبت روز کودک و رسانه برنامه‌ای به صورت زنده کار کردیم که بچه‌ها خودشان مجری و گزارشگر بودند. بعد چکیده برنامه را برای جشنواره رسانه در دست بچه‌ها فرستادیم که در خاورمیانه و شمال آفریقا برنامه برتر شناخته شد و مورد تقدیر یونسف نیز قرار گرفت. مسئولان شبکه تهران به من پیشنهاد کردند این برنامه به صورت روتین پخش شود و تیرماه سال ۸۷ رادیو کوچولو شروع به کار کرد. محمدی در مورد اهداف برنامه‌اش می‌گوید: من همیشه دوست داشتم جایی باشم که حرف‌های بچه‌ها از آن پخش شود.



همان گونه که دیدید موضوع برنامه را از قبل به بچه‌ها و خانواده‌شان نمی‌گویم تا بچه‌ها تحت سیطره بزرگ‌ترها نباشند و چشمشان به دهان آنها نباشد و خودشان فکر کنند. می‌خواهم بچه‌ها خود واقعیشان را بروز دهند. رادیو کوچولو مجالی برای خودنمایی بچه‌هاست. ابتدا فضا کمی برایشان ناآشناست اما کم‌کم یخشان آب می‌شود و حتی زبان به اعتراض هم می‌گشایند. اگر زمان اجازه دهد و امکانات فنی مناسب باشد با آنها کمی کار می‌کنم و می‌گویم جوری رفتار نکنم که بچه فکر کند می‌خواهم او را به حرف زدن وادارم. در دستشان عصبانی نمی‌شوم و صبورانه برخورد می‌کنم. خوشبختانه چون برنامه تولیدی است استرس زیادی نداریم و این باعث می‌شود اتفاقات پشت صحنه را در دل کار پخش کنیم. ممکن است بچه‌ای گریه‌اش بگیرد یا غش‌غش بزند زیر خنده یا صندلی برگردد. ما همه را پخش می‌کنیم تا برای مخاطب جالب باشد. این تهیه‌کننده در مورد موضوعات مورد بحث در برنامه این گونه ادامه می‌دهد: موضوعات ما تمام مسائلی است که با کودکان در ارتباط باشد؛ ایام امتحانات، مشق نوشتن، ترس، عصبانیت، دروغ‌گویی، اعتماد کردن و... موضوع را با همکاری مشاور برنامه دکتر احمدوند بررسی می‌کنیم. گاهی خانواده‌ها تماس می‌گیرند و موضوع را پیشنهاد می‌دهند، آنها از

تنظیم موج

روزهای جمعه ساعت ۱۵ و ۱۵ دقیقه عصر، برنامه رادیو کوچولو به مدت یک ساعت از رادیو تهران روی موج افام ردیف ۹۴ مگاهرتز پخش می‌شود. هرچند این برنامه به صورت تولیدی ضبط می‌شود، اما حال و هوای شرکت‌کنندگان و مجری برنامه به گونه‌ای است که مخاطب حس می‌کند در حال شنیدن برنامه‌ای زنده است.

مسائلی چون بی‌نظمی، کمرویی، بازیگوشی و مشق نوشتن بچه‌ها شکایت دارند. در مقابل، این روزها بچه‌ها می‌خواهند بزرگ‌ترها با آنها دوست باشند، هم قدشان باشند و برایشان نقش بزرگ‌تری را بازی نکنند. والدین برای بچه‌ها خیلی چیزها می‌خرند مثل اسباب‌بازی و سی‌دی و خوراکی‌های رنگارنگ اما با بچه‌ها حرف نمی‌زنند و درددل نمی‌کنند. خوب است والدین گاهی کارهایشان را تعطیل کنند، با بچه‌ها دورهم بنشینند و حرف بزنند. آن گاه بچه می‌فهمد مهم است و نظرش اهمیت دارد.

از محمدی می‌خواهم کمی درباره بخش‌های برنامه توضیح دهد که این طور ادامه می‌دهد: بخش‌های متنوعی داریم که با توجه به فصل عوض می‌شود. به اخبار توجه می‌کنیم و این که چه اتفاقاتی در شهر می‌افتد، مثل برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های مختلف. معرفی تئاترهای کودک و نوجوان و کارتون‌ها و انیمیشن‌های جدید که در این زمینه خانم ستاره نقدی خیلی به برنامه کمک می‌کند. اخبار چاپ کتاب‌های جدید کودکان را می‌گویم و تشویقشان می‌کنیم تا با پول توجیبی‌شان کتاب بخرند. در بخش مشاهیر، بچه‌ها را با زندگی نویسندگان و دانشمندان و شعرایی چون ابن‌سینا، خیام، زکریای رازی، دکتر حسابی، سهراب سپهری و غیره آشنا می‌کنیم. در بخش بازی به بچه‌ها بازی‌های خلاق و کم‌سر و صدا (بازی‌های آپارتمانی) را آموزش می‌دهیم. یک بخش هم نمایش رادیویی است که توسط دو کودک اجرا می‌شود. برای شاد بودن برنامه به موسیقی نیز توجه داریم و از موسیقی‌های سنتی که برای بچه‌ها ساخته شده در برنامه استفاده می‌کنیم که به جذابیت کار اضافه کرده است. محمدی درباره شیوه ورود بچه‌ها به برنامه این طور می‌گوید: ما شرط سنی داریم. سن شرکت‌کنندگان بین ۵ تا ۱۱ سال است. بچه‌ها به شماره تلفن برنامه که طی کار چند بار اعلام می‌شود زنگ می‌زنند و شعر می‌خوانند و حرف‌هایشان را می‌گویند. بعد با آنها تماس می‌گیریم و دعوتشان می‌کنیم. گاهی دوستان و آشنایان بچه‌شان را می‌فرستند، گاهی خودم در پارک یا مترو و سایر اماکن با کودکی آشنا شده و او را دعوت کرده‌ام. او در مورد استقبال از برنامه می‌گوید: آنها که پیچ رادیو را باز می‌کنند و برنامه را گوش می‌کنند تا آخر همراه ما هستند. جالب است بدانید بسیاری از شنوندگان ما بزرگسالان و حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هستند. با این که رادیو کوچولو متعلق به شبکه تهران است اما از شهرهایی مانند اصفهان، همدان و شیراز تماس‌های بسیاری داشته‌ایم. با وجود رسانه‌هایی مثل تلویزیون و اینترنت و کارتون‌های قشنگ و بازی‌های رایانه‌ای، برنامه ما خیلی تماس تلفنی دارد و مخاطب زیادی جذب کرده‌ایم. در کل از استقبال کودکان و خانواده‌ها راضی هستیم. در این برنامه رادیویی بچه‌ها مانند بسیاری از برنامه‌های زنده تلویزیونی تماشای و دکور وجود ندارد، بلکه در اجرای برنامه سهیم هستند و کار را پیش می‌برند و همین مساله باعث می‌شود از حضور در استودیو با این که دیده نمی‌شوند، لذت ببرند.

جایی هستم که باید باشم

از محمدی می‌پرسم از این که برای بچه‌ها برنامه می‌سازد چه حسی دارد که می‌گوید: احساس می‌کنم جایی هستم که باید باشم. کارم را دوست دارم و هرگز خسته نمی‌شوم. وقتی مجریان کوچک از استودیو بیرون می‌روند و مرا بغل می‌کنند و دوست دارند بازهم به برنامه بیایند بهترین لحظات عمر من است. دوست دارم رادیو کوچولو هیچ وقت بزرگ نشود. بارها به من پیشنهاد کرده‌اند برای نوجوانان یا بزرگسالان برنامه بسازم، اما من دنیای بچه‌ها را بیشتر دوست دارم. تهیه‌کننده رادیو کوچولو در پایان گفت‌وگو می‌گوید: آرزویم این است که کودک‌دروم همیشه زنده باشد. دیگر این که هر جمعه عصر، بچه‌ها رادیو را به بازی و کارهای دیگر ترجیح دهند و این برنامه را گوش دهند. خانواده‌ها نیز بچه‌ها را به این کار تشویق کنند. رادیو، رسانه با صداقتی است و اگر خانواده‌ها، بچه را با آن آشنا کنند نتایج مطلوبی می‌گیرند.

آرشیو غنی سازمان اخبار، افکت‌ها و صحبت‌های مربوط به آن حادثه را انتخاب می‌کنیم و آن را در جای درست می‌گذاریم. در یک برنامه ۱۵ دقیقه‌ای، چند حادثه مختلف گفته می‌شود که می‌تواند از کشمکش‌های درون کشور، از مسائل بین‌المللی انقلاب و صحبت‌های مسئولان کشورهای خارجی، درگیری‌های ارضی، انتخاب‌ها و بحث‌های زیادی که نوع مدیریت کشور را بعد از انقلاب مطرح می‌کند، باشد.

یوسفی تصریح می‌کند: هیجان، عنصر اصلی این برنامه است. آن روزها هیجان خاصی در کشور غالب بوده، اما این که شما در یک جامعه پر از بحث، پر از اندیشه و تفکر زندگی می‌کنید، خودش حس خوبی است و معمولاً اهالی تفکر و اندیشه دوست دارند تاریخ این افراد را بشنوند و همه اینها دست ما را باز می‌گذارد برنامه را طوری چینش کنیم که خسته‌کننده نباشد و هر کس برنامه را گوش می‌کند، کلی ماجرای جدید با ابعاد مختلف را متوجه شود.

یوسفی با بیان این که برای برنامه یک تیزر تلویزیونی هم ساخته شده، ادامه می‌دهد: مطمئنم این برنامه مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد، بخصوص مخاطبانی که حرفه‌ای‌تر به تاریخ نگاه می‌کنند و تخصصی‌تر حوادث را می‌بینند، چون خیلی از ماجراهایی که اکنون در کشور رخ می‌دهد، ریشه‌هایی در اوایل انقلاب دارد و این مساله کمک می‌کند درک بهتری از جامعه در آن روزها داشته باشند.

یوسفی با بیان این که تا الان صد قسمت از برنامه ضبط شده و ما یک سال و نیم از تاریخ بعد از انقلاب را روایت کرده‌ایم، ادامه می‌دهد: اکنون ما به روایت شهریور سال ۱۳۵۹ و اول جنگ رسیده‌ایم و این نشان می‌دهد برنامه ما چقدر جزئی مسائل را بررسی می‌کند و می‌کوشد همه حوادث را بیان کند. این مساله باعث می‌شود چیزی از قلم نیفتد. این روزها ما همچنان درگیر ضبط و رفتن به آرشیو هستیم، در آرشیو غنی صدا و سیما، فرهنگ، هویت و سیاست ایران موجود است. یک سری خبرنگار و تصویربردار اول انقلاب زحمت کشیدند، اما شاید آن موقع خود آنها فکر نمی‌کردند چیزی که ضبط می‌کنند روزی به کار آید. ما پس از گذشت ۳۰ تا ۳۵ سال دوباره رقتیم سراغ مصاحبه و حادثه‌ای که آنها ضبط کرده‌اند و به‌عنوان یک روایت عینی از حقیقت انقلاب شاهد آن هستیم که این کار ما بیش از سه ماه است شروع شده و هنوز هم ادامه دارد. پیش‌بینی ما این است که بالای ۳۰۰ قسمت هم برنامه ضبط شود، یعنی بیش از یک سال ما مهمان مردم خواهیم بود.

بازخورد برنامه پس از پیروزی برای دست‌اندکاران برنامه جالب توجه است. احمد یوسفی مقدم می‌گوید: به‌عنوان یک نسل سومی شاید هم چهارمی، وقتی تاریخ انقلاب اسلامی در ایران را بررسی کردم، متوجه شدم اکنون جامعه آرام، باثبات و قوی است. فشارهایی که اکنون وجود دارد، نسبت به گذشته چیزی نیست، چون اوایل انقلاب، مردم ما سختی‌های بیشتری را تحمل و از آن گذشته عبور کردند.

او ادامه می‌دهد: بعضی رادیوهای بیگانه هم سراغ سوژه بررسی تاریخ اول انقلاب رفته‌اند و سعی کرده‌اند انقلاب و حوادث قبل و بعد از آن را آن گونه که خودشان می‌خواهند تفسیر و روایت کنند. آنها می‌خواهند برای



گزارشی از برنامه «پس از پیروزی» رادیو ایران

ناگفته‌های انقلاب روی موج رادیو

زهره زمانی

می‌گوید: از آنجا که نسل سوم انقلاب اطلاعات چندانی از دهه اول انقلاب اسلامی، دهه‌ای که باعث پایداری و بقای جمهوری اسلامی ایران شد ندارد، تصمیم بر آن گرفتیم تا برای آگاهی بیشتر مردم از جزئیات این وقایع تاریخی، ناگفته‌های این دوران را در قالب یک گزارش مستند تقدیم علاقه‌مندان کنیم.

محمدنژاد با اشاره به وظیفه رسانه‌ها بخصوص رادیو برای مقابله با این هجمه‌ها می‌گوید: متأسفانه بیشتر رسانه‌های جهان در اختیار کشورهای غربی است. از این رو طبیعی است که مخاطبان فارسی‌زبان تحت تأثیر اخبار کذب و تحلیل‌های مغرضانه قرار گیرند. بنابراین رسانه‌ها بویژه رادیو ایران برای پاسخ به این اخبار کذب و به منظور تحلیل واقع‌بینانه اهداف رسانه‌های غربی و غرض‌ورزی‌های دشمنان ایران و انقلاب اسلامی این برنامه را تدارک دیده‌اند.

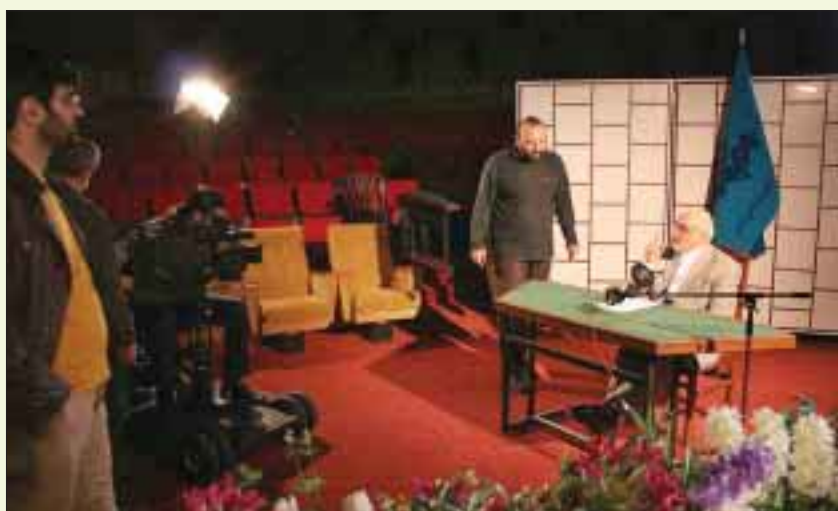
برنامه‌ای برای آگاهی نسل سوم

وقتی از احمد یوسفی مقدم، سردبیر برنامه درخصوص ایده برنامه پس از پیروزی می‌پرسم، می‌گوید: در مجموعه صدا و سیما برنامه‌هایی که تاریخ را روایت می‌کنند زیاد شده است. ما احساس کردیم اکثر برنامه‌ها معمولاً تاریخ

هیجان خاصی در استودیو حکمفرماست. از صدای رسانه‌های بیگانه درخصوص تحولات ایران گرفته تا شعارهای مردمی در کوچه و بازار برای داشتن حکومت اسلامی. صدای گرم و دلنشین امام خمینی (ره) که بموقع این ملت را بیدار و هوشیار کرد، روی دیگر سکه است. یوسفی، سردبیر برنامه با هوشیاری خاصی از همه افکت‌ها استفاده کرده تا نسل سوم جامعه با روند انقلاب ایران بیشتر آشنا شود. بعد از پخش آرم جواد منصوری، معاون اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی و کارشناس برنامه «پس از پیروزی» بعد از سلام گرم به شنونده‌های برنامه می‌گوید: «با یکی دیگر از برنامه‌های تاریخ پس از پیروزی در خدمت شما هستیم.» پس از این که یوسفی افکت مناسبی پخش می‌کند، آقای منصوری درخصوص اطلاعیه دادن و تعیین نوع نظام در انقلاب اسلامی ایران صحبت می‌کند.

بیان ناگفته‌های انقلاب

متوجه می‌شوم آقای محمدنژاد، مدیر گروه ایران و سیاست رادیو ایران برای نظارت بر این برنامه تاریخی در استودیوی ضبط حضور دارد. او درباره برنامه پس از پیروزی



نسل جدید، انقلاب را یک انقلاب بیشتر ملی که لزوما ارتباطی با مذهب نداشته مطرح کنند. آنها می‌خواهند بگویند انقلاب را یک گروه دیگری به ثمر رسانده است و نیروهای مذهبی اواخر انقلاب وارد این کارزار شده‌اند، اما حقیقت این نیست و ما سعی کرده‌ایم یک برنامه کاملاً حرفه‌ای با استانداردهای رادیویی تولید کنیم تا مخاطب ما به این حقیقت نزدیک شود و مطمئنم رادیوهای بیگانه برنامه ما را رصد خواهند کرد.

تنظیم موج: پس از پیروزی، کاری از گروه سیاست رادیو ایران به بیان حوادث دهه فجر انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تا نخست‌وزیری آقای بازرگان، تشکیل دولت موقت، رفتن امام خمینی به قم، همه‌پرسی، بحث‌های تجزیه‌طلبی استان‌های کردستان، گنبد، سیستان، آذربایجان، انتخابات و انتخابات خبرگان و تسخیر لانه جاسوسی می‌پردازد.

بخش این برنامه که رویکردی کارشناس‌محور دارد، از دوازدهم بهمن بعد از اخبار ساعت ۱۷ (از شنبه تا پنجشنبه) از آنتن رادیو ایران آغاز شده است.

جواد منصوری / معاون اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی و کارشناس برنامه پس از پیروزی:
رسانه، سرباز خط مقدم مقابله با دشمن است چرا به سراغ تاریخ چند ساله ابتدایی پیروزی انقلاب باید رفت؟

تاریخ در مجموع درس‌های زیادی برای همه ما دارد و به همین دلیل است که مطالعات تاریخی به‌طور اعم، یکی از زمینه‌های مطالعاتی تمام کسانی است که در فعالیت‌های اجتماعی نقش دارند. به عبارت دیگر، درس‌های تاریخی می‌تواند مورد استفاده تمام افراد بویژه مسئولان قرار بگیرد، اما در مورد تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی درس‌های بزرگی وجود دارد و چون این درس‌ها برای بقای انقلاب و برای انتقال به نسل جوان اهمیت دارد، باید در شکل‌های مختلفی مطرح و به صورت آموزشی در رسانه‌ها و در مراکز آموزشی به نسل‌های بعد منتقل شود.

آیا قادر به دسته‌بندی مفهومی تاریخ انقلاب اسلامی طی ده سال اول انقلاب هستیم؟

ما می‌توانیم مباحث مختلف را در چند زمینه مقوله‌بندی کنیم. یکی درباره عملکرد گروه‌ها و سرانجام آنها و دوم درباره عملکرد دستگاه‌های مختلف نظام سوم درباره روابط خارجی و عملکرد دستگاه ستمشاهی و همچنین مواضع و رفتار دولت‌های دیگر. گرچه می‌توانیم بحث‌ها را به اشکال دیگری هم دسته‌بندی کنیم، به‌طور مثال عملکرد اقتصادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی یا عملکرد اجتماعی - فرهنگی یا اشکال دیگر.

در این برنامه شیوه انتخاب موضوعات چگونه بوده است؟

ما در این برنامه سعی کردیم همه مباحث به اختصار و به صورت عام بیان شود، به طوری که شنونده تنها یک بعد از مسائل را نبیند و در عین حال به ریز و جزئیات مسائلی که ممکن است برای همه مشکل باشد یا فرصت برای شنیدنش نباشد، نپرداختیم. در برنامه ما، شنونده بعد از مدتی با روند کلی تحولات و بعضی نقاط ضعف و نقاط قوت مهم انقلاب آشنا می‌شود.

در برنامه‌سازی‌های تاریخی، شخصیت‌ها برای مخاطب بسیار جذاب هستند. شما در این برنامه تا چه حد تصویر روشنی از شخصیت‌های مثبت و منفی تاثیرگذار در مقاطع ابتدایی انقلاب ارائه کرده‌اید؟

تا آنجا که حجم زیادی از وقت برنامه را نگیرد، این کار را کرده‌ایم، بخصوص در مواردی از حضرت امام مستقیم نقل کرده‌ایم و در مواردی از شخصیت‌هایی که از مسئولان کشور بودند، همچنین مطالب مخالفان و معارضان نظام را نقد کردیم تا دقیقاً نظرهای آنها منتقل شود.

قسمت زیادی از تاریخ معاصر انقلاب اسلامی درباره مخالفت‌های دولت آمریکا با انقلاب اسلامی بوده و هست. به نظر شما علت مخالفت‌های آمریکا در سال‌های پس از انقلاب تاکنون با جمهوری اسلامی ایران چیست؟

علت تضاد بنیادی آمریکا با جمهوری اسلام ایران سه عامل است:

اول این که ایران هیچ زمانی سلطه خارجی را نپذیرفته است. این مساله برای ایران قابل قبول نیست، به همین دلیل آمریکا از تمام امکانات خود استفاده می‌کند تا این موضوع به وقوع نپیوندد.

موضوع دوم، اسلامی بودن این نظام است. آمریکا نمی‌خواهد نظام اسلامی ما را بپذیرد. البته ممکن است خودشان اسلام آمریکایی داشته باشند، ولی مهم اسلام واقعی است که بشدت از آن واهمه دارند و این نگرانی را در قالب اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی گسترش می‌دهند.

دلیل سوم این است که ایران یکی از نقاط مهم و استراتژیک دنیاست، به همین دلیل قطع رابطه آمریکایی‌ها با ایران، در چهارراه ایران، آسیا، اروپا و آفریقا برای آنها نگران‌کننده است و از این که نتوانند سلطه بایند احساس خطر می‌کنند.

رسانه برای مقابله با هجمه‌های غرب چه وظایفی به عهده دارد؟

رسانه، سرباز خط مقدم مقابله با دشمن است. رسانه که مهم‌ترین ابزار فکری، سیاسی، اجتماعی و عقیدتی یک کشور است، نقش مهمی در افشاگری، دفاع و تبلیغ اندیشه‌ها ایفا می‌کند.

امروزه رسانه‌ها در اشکال مختلف وارد خانه‌ها می‌شوند و کاملاً به شکل پنهان فرهنگ و باورهای مردم را تغییر می‌دهند. از آنجا که غرب برای استفاده از رسانه‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده است ما هم برای پیشرفت باید تلاش خود را دوچندان کنیم. خوشبختانه جهان، آماده پذیرش افکار و ارزش‌های ماست، ولی امروزه رسانه‌ها با هنر و انواع تخصص‌های علمی و زبان‌های مختلف گره خورده‌اند، بنابراین ما باید بتوانیم با زبان و فرهنگ خود بر سلطه آنها احاطه کنیم.

چطور انقلاب اسلامی ایران می‌تواند به راه خود ادامه دهد؟

علت بقای هر پدیده، علت به‌وجودآورنده آن پدیده است. برای این که انقلاب ما از هجمه‌های دشمنان رهایی یابد و به راه خود ادامه دهد باید سه اصل امام امت و اسلام را در نظر بگیریم. اگر این‌طور باشد انقلاب اسلامی سال‌های سال با قدرت به راه خود ادامه خواهد داد.



مرا بین، مرا بشنو

یادداشت



رسانا قهقراپی

زندگی در عصر ارتباطات و سر و کار داشتن با رسانه‌هایی که هر یک از آنها با برخورداری از ویژگی‌های خاص، پیام‌ها را در بسته‌بندی‌های مشخصی عرضه می‌کنند، سبب می‌شود مخاطب به‌رغم در اختیار داشتن حق انتخاب بالایی برای گزینش رسانه مورد نظر خود در ادامه دریافت اطلاعات و داده‌هایی که آن را طلب می‌کند، به نوعی خواستار کاربرد همه این رسانه‌ها باشد، چراکه هر کدام می‌توانند در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون منافع خاصی از مخاطب را تأمین کرده و متناسب با نیازهای او مورد بهره‌وری قرار گیرند.

این مشخصه از سوی دست‌اندرکاران و عوامل سازمان‌های رسانه‌ای نیز مورد توجه قرار دارد، چنانچه برنامه‌سازان و عوامل تولید یک اثر در وهله نخست مخاطب هدف خود را تعیین می‌کنند و به ویژگی‌های آن می‌اندیشند؛ البته این یک اصل در نظریه‌های ارتباطی است و الزاما مصداق مانع و جامعی ندارد.

عوامل یک برنامه به مجرای ارتباطی و مشخصات رسانه‌ای توجه می‌کنند که از طریق آن بیننده یا شنونده و در مواردی کاربر خود را مورد خطاب قرار داده‌اند. از این رو برنامه‌ها و مواد اطلاعاتی، نمایشی و خبری خود را در شکل و ساختاری ارائه می‌کنند که برای مخاطب در مرحله اول قابل دریافت باشد و فهم و درک بهتری از پیام را برایش فراهم کند.

نوع رسانه ارتباطی تأثیر زیادی بر محتوای عرضه شده دارد، یعنی خود رسانه است که غلظت ویژگی پیام را هم سبب می‌شود، بنابراین رسانه‌هایی که گستره مخاطبان آنها وسیع‌تر است و گروه‌های بیشتری از مخاطبان را از نظر سنی تحصیلی و ... تحت پوشش قرار می‌دهند دارای زبانی ساده‌تر هستند.

عناصر و مولفه‌هایی که در برنامه‌سازی نیز مورد تأکید است (همچون موسیقی، جلوه‌های ویژه گرافیکی، بخش‌های کوتاه و مفید و رنگ) نیز همواره به عنوان راهکارهایی برای افزایش جذابیت‌های تصویری و صوتی خروجی‌های رسانه‌ای مورد توجه قرار دارند. عناصری که توجه به همه آنها، در ایجاد ارتباط میان مخاطب و برنامه، به‌عنوان جزئیات شکل‌دهنده یک رابطه ارتباطی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ماندگاری پیام‌های صوتی

قصیده سالک

تیلیغات تلویزیون با توجه به ویژگی تصویری آن به کلام وابسته نیست و بیشتر بر بنیان تصویر استوار است. حتی گاهی مشاهده می‌شود یک نماد و سمبل، اشاره مستقیمی به پیام دارد و دیگر به تشریح و توضیح آن در قالب کلمات نیاز نیست. اما تبلیغات در رادیو و آگهی‌های خدمات عمومی بر بنیان صدا استوار است. بنابراین در اینجا نوع بیان، حضور یک راوی برای هدایت شنونده به پیام مورد نظر و بهره‌گیری از صداهای

مختلف و قابل تفکیک از هم اهمیت می‌یابد. همچنین برنامه‌سازان، بسیاری از تبلیغات رادیویی را با موسیقی، شعر و ترانه همراه می‌سازند تا هم قدرت تاثیرگذاری آن افزایش یابد و هم باتوجه به گذرا بودن پیام‌های صوتی، ماندگاری آن بیشتر شود. واژه و عباراتی که در ترانه این تبلیغات مورد استفاده قرار می‌گیرد ساده و عامه‌فهم است و شمرده سخن گفتن و اعطای فرصت تأمل به مخاطب، یکی از اصول اصلی برنامه‌سازی در این رسانه همراه به شمار می‌رود.

باید به این نکته مهم توجه داشت که رادیو و تلویزیون به لحاظ سطح دسترسی به مخاطبان، در بین رسانه‌ها مقام اول را به خود اختصاص می‌دهند. این دو رسانه دارای مخاطبانی از گروه‌های سنی مختلف هستند و باید استانداردهای برنامه‌سازی را که یکی از آنها همه‌فهم بودن و استفاده از زبان معیار است، در چینش محتوا دخالت داد.

دریافت جایزه بود.

فصل دوم خانه کارت‌ها در حالی روی آنتن می‌رود که تهیه‌کنندگان تولید سومین فصل آن را هم در دستور کار قرار داده‌اند و قرار است بزودی کار فیلمبرداری آن هم آغاز شود. شایعات تأیید نشده از منابع نزدیک به طرح، حکایت از آن می‌کند که کاراکتر فرانک آندروود در قسه فصل دوم تا مقام معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا ترقی و جاه‌طلبی‌هایش را در کاخ سفید دنبال می‌کند. تهیه‌کنندگان مجموعه می‌گویند تولید آن برای منطقه بالتیمور بسیار سودآور بوده و باعث ۱۴۰ میلیون دلار سود برای اقتصاد محل شده است. ۱۵۰ روز فیلمبرداری در بالتیمور باعث خلق بازار کار برای بسیاری از اهالی محل شد و در همان حال، لوکیشن‌های مجموعه به صورت یک مکان توریستی برای بازدید بسیاری از مسافران به این منطقه شد.

برخورد منتقدان تلویزیونی با خانه کارت‌ها بسیار خوب و مثبت بوده است. این مجموعه ۷۷ درصد از ۱۰۰ درصد نقدهای مثبت را از آن خود کرد. منتقدان تلاش سازندگان مجموعه برای افشاگری در دنیای سیاست و فساد درونی سیاستمداران را ستودند و گفتند این موضوع، در دل قصه‌ای جذاب و تماشایی به تصویر کشیده شده است. رابرت بیانکو، منتقد یو اس آ تودی از فیلمنامه، کارگردانی و بازی‌های آن تجلیل کرد. تمام نقدهایی که برای این مجموعه نوشته شد، روی جسارت سازندگان در انتخاب یک مضمون تند و ملتهب تأکید داشتند. در بسیاری از نقدها هم به موضوع بازی کوین اسپیسی در یک کار تلویزیونی اشاره شده بود. این بازیگر در گفت‌وگوهایش علت همکاری با خانه کارت‌ها را فیلمنامه قوی و غیرمتعارف و شخصیت‌های خاص آن ذکر کرد و گفت از بازی در نقش یک سیاستمدار جاه‌طلب و زیاده‌خواه کاملاً راضی است.

کوین اسپیسی، بازیگری را از سال ۱۹۸۶ با حضور در تئاتر و مجموعه‌های تلویزیونی شروع کرد و از اواخر این دهه به بازی در فیلم‌های سینمایی پرداخت. «مظنونین همیشگی» در سال ۱۹۹۵ نام او را مطرح کرد و بلافاصله پس از آن در تعدادی فیلم مثل «هفت»، «شیوع بیماری»، «زمانی برای کشتن» و «محرمانه لس‌آنجلس» بازی کرد. در سال ۱۹۹۹ برای «زیبایی آمریکایی» جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را گرفت. نکته جالب این است که اسپیسی پس از دریافت این جایزه، دیگر نتوانست در فیلم موفق و پرسروصدایی بازی کند. در سال‌های اخیر، او با چند فیلم و مجموعه تلویزیونی همکاری داشت که موفقیت زیادی برایش به همراه نداشت. منتقدان هنری می‌گویند اسپیسی با خانه کارت‌ها بازگشت موفقیت‌آمیزی به دنیای بازیگری داشته است.



ورایتی / مترجم: کیکاووس زیاری

و ماجراهای آن ندارد.

تهیه‌کنندگان خانه کارت‌ها می‌گویند قسه دومین فصل مجموعه روی شخصیت فرانسیس (فرانک) آندروود و همسر او کلر آندروود تمرکز می‌کند. کوین اسپیسی و رابین رایت در نقش این دو کاراکتر بازی می‌کنند. فرانک آندروود یکی از اعضای دمکرات مجلس کنگره آمریکاست. او آدمی جاه‌طلب و قدرت‌دوست است و می‌خواهد مدارج عالی ترقی را با سرعت طی کند. وی با نزدیک شدن به نامزد ریاست جمهوری گارت واکر (با بازی مایکل گیل) سعی می‌کند موقعیت خوبی برای خود فراهم آورد و سمت دستیار او را می‌گیرد. فرانک توسط یکی از مسئولان دولتی لیندا واسکوئیز (با بازی سکینه خیری) متوجه می‌شود برای دستیابی به قدرت بیشتر، باید دست به کارهای دیگری بزند و خودش را به گارت واکر وصل نکند. فرانک که از خیانت و دورویی واکر خشمگین شده، با همکاری همسرش به سراغ کسب درآمدهای بالا و سودهای کلان می‌رود. این دو بزودی وارد یک جنگ شدید با واکر می‌شوند. حضور پیتر روسو، یک سیاستمدار مصیبت‌زده کنگره (با بازی کوری استون) و یک روزنامه‌نگار واحد سیاسی روزنامه خیالی واشنگتن هرالد به نام زویی بارنز (با بازی کیت مارا) اوضاع تغییری اساسی کرده و آندروودها می‌توانند فعالیت‌هایشان را گسترش دهند.

مجموعه درام پرتنش و افشاگرانه «خانه کارت‌ها» هم صاحب فصل دوم شد. این اثر دلهره‌آور سیاسی با مضمون تند و عمیق اجتماعی خود، توسط جو ویلیامز تهیه و تولید شد و نام وی را به عنوان خالق بر خود دارد. فیلمنامه اقتباسی این مجموعه پربیننده و پسر و صدای تلویزیونی براساس قسه کتاب پرخواننده‌ای نوشته شد که مایکل دابز و اندرو دیوس نویسنده آن بودند. کوین اسپیسی، بازیگر اسکار گرفته سینما بازیگر نقش اصلی مجموعه، یکی از تهیه‌کنندگان آن است. او در فصل دوم مجموعه هم در نقش شخصیت اصلی قسه بازی خواهد کرد و همچنان یکی از تهیه‌کنندگان آن خواهد بود. شبکه تلویزیونی نت فلیکس که تولید و پخش «خانه کارت‌ها» را به عهده داشته، می‌گوید دومین فصل آن را برای اواسط ماه فوریه سال جدید میلادی آماده پخش خواهد کرد. تمام عوامل تهیه فصل اول با فصل دوم آن همکاری خواهند داشت و قصه‌اش، دنباله‌ای بر ماجراجویی‌های دو شخصیت اصلی فصل اول خواهد بود.

سازندگان مجموعه توضیح زیادی درباره فصل دوم آن ندادند و تولید آن را هم در سکوت کامل خبری جلو برده‌اند و کسی اطلاع چندانی از کم و کیف قسه

برنامه جنجالی عامر خان در یک قدمی تلویزیون

پخش اپیزودهای برنامه این است که موضوعات مورد بحث در هر قسمت آن، فرصت و زمان کافی برای مطرح شدن در سطح جامعه داشته باشد. عامر خان عقیده دارد این کار باعث می‌شود هر موضوع برنامه به‌دقت موشکافی شده و مورد بحث قرار گیرد. شبکه تلویزیونی استارپلاس، پخش برنامه تلویزیونی عامر خان را به عهده دارد.

مردم عادی را به خود جلب کرد. طرح مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی در هر اپیزود برنامه، توجه عمومی را به سمت آن موضوع جلب کرد. پیش‌بینی می‌شود فصل دوم این برنامه نمایشی هم وضعی شبیه فصل اول آن ایجاد کند.

عامر خان با وجود اعلام تاریخ ماه مارس برای پخش برنامه جنجالی خود، از ادای توضیحات درباره جزئیات و محتوای آن خودداری کرده است. به همین دلیل، هنوز کسی نمی‌داند اپیزودهای فصل جدید درباره چه موضوعاتی بحث خواهد کرد؛ در حالی که پخش آگهی این برنامه تلویزیونی از هفته آینده در شبکه‌های مختلف تلویزیونی هند آغاز خواهد شد. فصل دوم ساتیا میو جایاته در ۱۲ اپیزود تهیه شده است. به گفته عامر خان، این ۱۲ اپیزود در سه بخش مختلف و در زمان‌های متفاوت در طول سال ۲۰۱۴ روی آنتن خواهد رفت. هدف از فاصله زمانی بین

می‌گیرد.

عامر خان، تهیه‌کننده و مجری این برنامه پربیننده و موفق است و می‌گوید فصل دوم آن در مقایسه با فصل اول با تغییرات زیادی روبه‌رو شده است. برنامه تلویزیونی این خان معروف سینمای هند، یک کار اجتماعی و سیاسی است و هر اپیزود آن به یک موضوع و معضل اجتماعی اختصاص دارد. گروهی از کارشناسان اجتماعی، نویسنده هر اپیزود آن هستند و یک موضوع مهم اجتماعی را به بحث می‌گذارند. در طول هر برنامه، ضمن بررسی آن مشکل با اهل فن و مردم عادی هم بحث و گفت‌وگو می‌شود. هدف از این کارها، ارائه راه‌حل احتمالی برای معضل و مشکلی است که در طول برنامه مطرح می‌شود.

سال قبل میلادی، فصل اول ساتیا میو جایانه بحث و جنجال زیادی در سراسر هند برانگیخت و توجه عموم سیاستمداران، احزاب سیاسی، صاحب‌نظران و



فصل دوم مجموعه «ساتیا میو جایانه» ماه مارس روی آنتن تلویزیون هند می‌رود. پخش این برنامه پس از موفقیت بالای فصل آن در سال ۲۰۱۳ صورت

قاب‌تفکیک

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد القدير روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.